

نسخه مورخ ۱۳۹۹/۱/۱۹ با اصلاحات

آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری

در اجرای مواد ۲۲^۱ و ۲۶^۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و اصلاحات بعدی و با توجه به الزامات مقرر در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و قانون وکالت و با عنایت به نظریه شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای محترم نگهبان و قانون اختیارات و وظایف رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹ و قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به شرح زیر ابلاغ می شود:

ماده ۱- واژه ها و عبارتهای اختصاری مندرج در این آیین نامه در معانی زیر به کار می رود:

۱- کانون: کانون وکلای دادگستری؛

۲- لایحه استقلال: لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی؛

۳- شورای عالی: شورای عالی هماهنگی امور وکلا؛

۴- اداره کل: اداره کل نظارت بر امور وکلا و کارشناسان و مترجمان رسمی؛

الف - آزمون، کارآموزی، صدور پروانه وکالت؛

ماده ۲- کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون، ضمن اعلام نتایج قطعی، نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام می کنند^۳. تاریخ،

۱- ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلا: «کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجراء گذاشته می شود.»

۲- ماده ۲۶ لایحه استقلال کانون وکلا: «وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.»

۳- ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یکبار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند.»
ماده ۲۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «پروانه وکالت به عده لازم داده می شود و به نسبت هر ده نفر وکیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عده معین داده خواهد شد.»

چگونگی برگزاری آزمون، مدارک مورد نیاز و شرایط داوطلبان براساس قانون، ضمن درج آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار، از طریق تارنمای اینترنتی به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

ماده ۳- تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوط است که به دعوت رییس هر کانون وکلا، حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌کنند.^۴ در صورتی که کانون وکلای مربوط مبادرت به تشکیل جلسه یا اجرای تصمیم کمیسیون مذکور مبنی بر برگزاری آزمون ننماید، رییس کل دادگستری استان مراتب را به دبیرخانه شورا اعلام تا نسبت به طرح موضوع در شورای عالی اقدام کند.

ماده ۴- پروانه کارآموزی وکالت برای اشخاصی صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا سطح دو و بالاتر از دروس حوزوی، دارای شرایط زیر باشند^۵:

تبصره ماده ۳۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «صورت نقاطی که محتاج به وکیل است در دفتر کانون به‌دیوار نصب می‌شود که داوطلبان شغل وکالت با توجه به آن تقاضانامه بدهند.»

۴- تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوط می‌باشد که به دعوت رییس کانون وکلای هر کانون، حداقل یکبار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید.»

ماده ۲۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «عده وکیل لازم برای هر محل به وسیله کمیسیون متشکل از رؤساء کل دادگاه‌های استان مرکز و دادگاه‌های شهرستان تهران و دادگاه‌های بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون به دعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد.»

۵- در متن ماده ۴ آیین نامه پیشنهادی شرایط مصرح در ماده ۲ قانون اخذ پروانه وکالت از جهت اهمیت و تأکید عینا ذکر شده است. ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند:

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی.

ج - نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری.

د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می‌باشد.

ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت.

و - عدم عضویت و هواداری از گروه‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

تبصره ۱ - کانونهای وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام؛

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه و قانون اساسی؛

پ - نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری؛

ت - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است؛

ث - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت؛

ج - عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران؛

چ - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان و استعمال مشروبات الکلی؛

تبصره ۱ - اقلیت‌های مذهبی رسمی شناخته شده در اصل سیزدهم قانون اساسی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی هستند.

تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند، در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

ماده ۵ - در اجرای تبصره ۱ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، کانون‌های وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذیصلاح به شرح زیر استعلام کنند:

۱ - در خصوص اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام و اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه و قانون اساسی از حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه؛

۲ - در خصوص نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری از اداره کل سجل کیفری و عفو و بخشودگی قوه قضاییه؛

۳ - در مورد عدم سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است، عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت و عدم عضویت و هواداری از گروهک‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران از وزارت اطلاعات؛

تبصره ۲ - برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می‌شود که دارای شرایط این ماده باشند.

تبصره ۳ - مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

تبصره ۴ - اقلیت‌های مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی می‌باشند.»

- ۴- در مورد عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی از پزشکی قانونی؛
- ۵- در مورد دارندگان سابقه قضایی متقاضی دریافت پروانه وکالت، استعلام از حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، دادسرای انتظامی قضات و کارگزینی قوه قضاییه الزامی است. این دسته از متقاضیان چنانچه ظرف شش ماه از خاتمه خدمت قضایی، تقاضای پروانه وکالت نمایند، از بندهای ۲ و ۴ ماده فوق معاف خواهند بود.
- تبصره ۱- مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضاییه می‌تواند جهت احراز شرایط موضوع استعلام حسب مورد از مراجع مرتبط در محل کار یا سکونت متقاضی کسب اطلاع کند.
- تبصره ۲- مراجع مذکور در ماده فوق مکلفند ظرف دو ماه به استعلامات پاسخ دهند و در صورت عدم وصول پاسخ از مراجع مذکور، شروع کارآموزی متقاضی بلامانع است؛ اما چنانچه پاسخ استعلامات در هر مرحله واصل و فقدان یکی از شرایط مذکور در این ماده محرز گردد، پروانه وکالت یا کارآموزی به حکم دادگاه انتظامی کانون لغو می‌شود. در کلیه مواردی که فقدان یکی از شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مسجل شود، کانون به وکیل یا کارآموز ابلاغ می‌کند تا ظرف یک ماه نسبت به تسلیم پروانه خود اقدام کند. در صورت تسلیم نکردن پروانه در مهلت مقرر، رییس کانون ظرف حداکثر بیست روز پرونده را به دادگاه انتظامی کانون جهت رسیدگی ارسال می‌کند.
- ماده ۶- به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:
- ۱- اتباع خارجی؛
 - ۲- افراد فاقد شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری؛
 - ۳- قضات شاغل یا کارکنان شاغل دستگاه‌ها یا شرکت‌های دولتی یا دستگاه‌ها و شرکت‌های وابسته به قوای سه‌گانه و مؤسسات عمومی و شهرداری‌ها و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است، به‌استثنای استادان دانشگاه که به تدریس در یکی از رشته‌های حقوق اشتغال دارند، در صورت اجازه شورای دانشگاه؛
 - ۴- مجبورین
 - ۵- کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد؛
 - ۶- محکومان به انفصال ابد از خدمات دولتی؛
 - ۷- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مواد مخدر و روانگردان و مسکرات و اعمال منافی عفت؛

- ۸- محکومان به دلیل ارتکاب جرایم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- ۹- محکومان به دلیل ارتکاب جرایم منافی با امانت، عفت و شئون وکالت به تشخیص هیأت مدیره کانون؛
- ۱۰- افراد تحت محاکمه به اتهام جرایم مذکور در بند فوق؛
- ۱۱- اشخاص محروم از وکالت طبق حکم دادگاه^۶.
- ۱۲- قضاتی که به موجب حکم محکمه عالی انتظامی سلب صلاحیت شده باشند؛
- ماده ۷- منابع سئوالات امتحانی دروس حقوقی در مقطع کارشناسی شامل: حقوق اساسی، حقوق تجارت، حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، حقوق مدنی، آئین دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری، امورحسبی، حقوق ثبت و فقه در حد تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، است.
- تبصره- آزمون وکالت به صورت همزمان در کلیه کانونهای سراسر کشور برگزار می گردد .
- ماده ۸- حداقل نمره قبولی در آزمون وکالت، ۶۰ درصد از کل نمره آزمون می باشد و پذیرش افراد بدون کسب نمره لازم ولو در صورت نیاز ممنوع است.
- تبصره- در مواردی که حائزین نمره شصت درصد مذکور در این ماده بیش از تعداد مورد نیاز کانون مربوطه باشد، ملاک قبولی نمره اکنسایبی خواهد بود.
- ماده ۹- آزمون کتبی به صورت سوالات چهار گزینه ای به عمل می آید.

۶- ماده ۶ آیین نامه پیشنهادی در اجرای ماده ۱۰ لایحه استقلال و ماده ۲ قانون کیفیت و با تکرار حکم قانونگذار نوشته شده است ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری: «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی شود:

۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳- محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۶- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنجههایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آن که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷- کسانی که به اتهام جنایت یا جنجههای مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده اند.

ماده ۱۰- کانون موظف است شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت و ماده ۱۰ لایحه استقلال را در آگهی ذکر و تصریح کند چنانچه متعاقباً خلاف شرایط مقرر قانونی احراز گردد، قبولی داوطلب کآن لم یکن تلقی و پروانه کارآموزی ابطال می‌شود.

ماده ۱۱- در اجرای ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری و بند چ ماده ۸۸ قانون برنامه ششم توسعه و تکالیف مقرر در قانون جامع خدمات رسانی ایثارگران، سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز هر کانون به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و آزادگان با داشتن سه ماه سابقه اسارت و یا جانبازان ۱۰ درصد و بالاتر همسر و فرزندان شهدا و جانبازان ۲۵ درصد بالاتر فرزندان رزمندگان دارای ۱۲ ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه بدون رعایت شرط سنی و در صورت واجد شرایط بودن) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد.^۷ متقاضیان موضوع این ماده ضروری است علاوه بر کسب هفتاد درصد نمره قبولی لازم، شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری را دارا باشند. استفاده از سهمیه ایثارگران، مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده‌اند، نمی‌باشد.

ماده ۱۲- افراد مذکور در ماده ۸ لایحه استقلال کانون وکلا، اصلاحی ۱۳۷۳ از شرکت در آزمون وکالت معاف هستند و با رعایت شرایط مقرر در ماده ۸ قانون مذکور و تبصره های آن به آنها پروانه وکالت درجه یک از طرف کانون وکلا داده می‌شود.^۸

ماده ۱۳- متقاضی باید فرم تقاضانامه را که مشتمل بر موارد زیر است تکمیل کند. فرم تقاضانامه توسط کانون تهیه و در اختیار متقاضیان قرار خواهد گرفت:

۱- مشخصات فردی متقاضی؛

۲- نشانی محل اقامت متقاضی؛

۳- سوابق شغلی فعلی و قبلی؛

۷- این ماده در اجرای ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت نوشته شده است. ماده ۳ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری «سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده‌اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و بستگان درجه اول شهدا و جانبازان ۵۰٪ به بالا) اختصاص می‌یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده‌اند انتخاب خواهند شد. تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده‌اند نمی‌باشد. ۸- این ماده در مقام بیان حکم قانونگذار در ماده ۸ لایحه استقلال کانون وکلا اصلاحی ۱۳۷۳ است.

- ۴- تصریح به عدم سوء پیشینه کیفری مؤثر و غیرمؤثر با ذکر سوابق کیفری و نوع جرم ارتكابی و مجازات آن؛
- ۵- تصریح به وجود یا فقدان هرگونه پرونده مفتوح کیفری در مراجع قضایی؛
- ۶- تصریح به عدم اعتیاد به مواد مخدر، روانگردان و مسکر؛
- ۷- تعیین و معرفی استانی که تمایل به اشتغال و کالت در آن دارد؛
- ۸- تصریح به عدم اشتغال در شغل دولتی موضوع ماده ۱۰ لایحه قانونی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل؛^۹
- ماده ۱۴- تقاضا باید دارای ضmann ذیل باشد:
- ۱- تصویر مصدق کلیه صفحات شناسنامه و کارت ملی؛
 - ۲- چهار قطعه عکس جدید؛
 - ۳- گواهی حُسن سابقه خدمت در صورت داشتن سابقه اشتغال در وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است؛
 - ۴- تصویر مصدق از دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا مدرک سطح دو و بالاتر از دروس حوزوی؛
 - ۵- تصویر مصدق مدارک دال بر سابقه اشتغال خدمت قضایی یا سابقه اداری یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی؛^{۱۰}

۹- ماده ۳۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: در تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی باید نکات ذیل تصریح شود:

- نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی.
- محل اقامت متقاضی به طوری که مأمور کانون دادگستری یا پست بتواند بدون زحمت اوراق را در محل مزبور ابلاغ نمایند.
- اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد.
- تصریح به اینکه محکومیت جنحه و جنایی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه به چه عنوان و به چه مجازاتی محکوم شده است.
- تصریح به عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.
- ذکر مجوز قانونی تقاضا.
- تعیین و معرفی محلی که می‌خواهد در آن اشتغال به وکالت داشته باشد.
- معرفی شخصی که متقاضی می‌خواهد نزد او کارآموزی نماید.

۱۰- ماده ۳۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضا باید دارای ضmann ذیل باشد:

- رونوشت گواهی شده شناسنامه.
- چهار قطعه عکس.
- گواهینامه عدم سوء سابقه.
- در صورت داشتن سابقه شغل در وزارتخانه یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا مراجع قضایی یا بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است گواهی نامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه.
- گواهینامه عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.

تبصره- شروع دوره کارآموزی منوط به ارائه تصویر مصدق کارت پایان خدمت یا معافیت داریم از خدمت وظیفه^{۱۱} است.

ماده ۱۵- داوطلبان موظفند محل مورد تقاضای خدمت خود را برای آزمون تعیین کنند و تغییر این محل جز به شرح مقرر در این آیین نامه امکان پذیر نیست.

ماده ۱۶- تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی با رعایت ضوابط مربوط به قبولی در آزمون و احراز صلاحیت، در صورتی که نقصی نداشته باشد، از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد. رئیس کانون، رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان ارجاع می‌دهد که ظرف یک هفته رسیدگی و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم کند. گزارش مزبور در هیئت مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضا، پروانه صادر خواهد شد.^{۱۲}

ماده ۱۷- در صورت تصویب اعطای پروانه کارآموزی، پرونده به کمیسیون کارآموزی ارجاع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی، متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت مدیره، به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید. دادگاه مزبور رسیدگی می‌کند؛ در صورت عدم ورود شکایت، تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد که پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود. حکم

-
- رونوشت مصدق هستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضائی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن.
 - گواهینامه شورای عالی فرهنگ راجع به ارزش دانشنامه که از دانشگاه‌های خارج صادر شده.
 - گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی.

تبصره - (الحاقی ۱۳۴۷/۹/۱۷) کانون می‌تواند برای تشخیص حسن سابقه خدمت قضات دادگستری خلاصه پرونده کارگزینی آنها را مطالبه کند.»

۱۱- بند ه ماده ۱۰ قانون نظام وظیفه

۱۲- ماده ۳۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد پس از رفع نقص از طرف دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان رجوع می‌نماید که در ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیئت مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد.....»

دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن به عهده ریاست کانون است و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.^{۱۳}

ماده ۱۸- کارآموزان شاغل، در صورت شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در دوره کارآموزی، مجاز به ادامه کارآموزی نیستند و پروانه کارآموزی آنها لغو می شود.^{۱۴}

ماده ۱۹- وظایف کارآموز عبارت است از:

۱- حضور در جلسات کارگاه‌های آموزشی در دوره کارآموزی به میزان حداقل شصت ساعت به دعوت کانون؛

۲- حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری؛

۳- تهیه گزارش از حداقل صد پرونده با رعایت تنوع موضوعات؛

۴- کارآموزی نزد یکی از وکلای با سابقه دادگستری با معرفی کانون؛^{۱۵}

تبصره - کیفیت کارآموزی و تعیین شعب دادگاه‌ها و دادرها جهت کارآموزی به موجب دستورالعملی است که با مشارکت کانونهای وکلا و شورای عالی تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

۱۳- ماده ۱۳۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «... واگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شد به کمیسیون کارآموزی رجوع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت‌مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضاات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود و حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن به عهده ریاست کانون است و متخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.»

۱۴- ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا: «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:...

۲- قضاات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه»

تبصره ۴ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳: «تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع شرکتهای خصوصی جز شرکت های تعاونی ادارات و موسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.»

۱۵- ماده ۳۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کارآموز موظف است در دوره کارآموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد:

۱. کارهای معاضدت قضائی که از طرف شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون رجوع می‌شود.
۲. حضور در سخنرانی‌ها.
۳. حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی چهار مرتبه.
۴. تهیه گزارش چند پرونده که به او رجوع می‌شود.
۵. کارکردن در کانون اعم از دادسرا یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضائی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری و دفتری.
۶. کارکردن نزد یکی از وکلا با سابقه دادگستری.

ماده ۲۰- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است، ولی بابت کارهائی که کارآموز خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد، می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.^{۱۶}

ماده ۲۱- طول مدت کارآموزی هجده ماه بوده و تجدید دوره کارآموزی منوط به نظر کمیسیون کارآموزی وکلا و تصویب هیات مدیره کانون مربوطه است. تجدید دوره تنها تا سه نوبت مجاز خواهد بود و پس از آن نسبت به توانایی اشتغال به وکالت یا عدم آن تصمیم مقتضی توسط هیات مدیره اتخاذ می‌شود. تعویق در شروع کارآموزی برای مدت شش ماه مجاز است و پس از آن داوطلب منصرف تلقی می‌شود.^{۱۷}

ماده ۲۲- موارد تقلیل کارآموزی به این ترتیب است:

- ۱- مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانشگاه در رشته‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.^{۱۸}
- ۲- کارآموزی افرادی که دارای سه سال سابقه در شورای حل اختلاف به عنوان عضو هستند به شرط تأیید حسن سابقه خدمت آنان از سوی رییس کل شوراهای حل اختلاف استان، به نصف تقلیل می‌یابد.^{۱۹}
- ۳- کارآموزی افراد موضوع بند د ماده ۸ اصلاحی لایحه استقلال با وجود شرایط مقرر قانونی، نصف مدت کارآموزی سایر داوطلبان است؛

ماده ۲۳- پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی، با تقاضای کارآموز و با دستور رییس کانون، درخواست و پرونده کارآموز در کمیسیون کارآموزی مطرح می‌شود.^{۲۰}

۱۶- ماده ۳۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهائی که کارآموز خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید»

۱۷- ماده ۴۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.

ماده ۴۲ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیئت مدیره واقع نشد باید تجدید شود و در هر دفعه به ترتیبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد.»

۱۸- تبصره ۳ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: «مدت کارآموزی اعضای هیات علمی دانشکده‌های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.»

۱۹- ماده ۴۰ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

۲۰- ماده ۴۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.»

ماده ۲۴- نتایج علمی و عملی کارآموزی وکالت در کمیسیون متشکل از پنج نفر وکیل با ده سال سابقه وکالت و یا پنج سال سابقه قضاوت و پنج سال وکالت ارزیابی می‌شود. اعضای کمیسیون مذکور توسط هیات مدیره انتخاب می‌شوند. امضای حداکثر سه نفر از کمیسیون فوق در ذیل هر پرونده کافی است و نظر اکثریت ملاک خواهد بود. کمیسیون پس از بررسی مدارک کارآموز احراز وجود شرایط قانونی، مبادرت به اختبار می‌کند.^{۲۱}

ماده ۲۵- هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود. این کارنامه باید در مورد حضور در جلسات دادگاه‌ها و رعایت مقررات و حفظ شوون وکالت به گواهی رؤسای شعب دادگاه‌ها یا دادرهای محل کارآموزی، در مورد کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست، در خصوص کارهای معاضدت قضایی به گواهی شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون، در رابطه با تمرینات و سخنرانی‌ها به گواهی رئیس شعبه سخنرانی‌های کانون و در مورد کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد.^{۲۲}

ماده ۲۶- کارآموزانی که در استان محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست، از سخنرانی و کارکردن در آن مراجع معاف هستند.^{۲۳}

ماده ۲۷- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند. چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی، خلاف آن احراز شود، با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی، کانون، پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.^{۲۴}

۲۱ - ماده ۳۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیئت‌مدیره باشند از بین اعضاء هیئت‌مدیره یا از خارج اعضاء هیئت یا بطور مختلط از طرف هیئت‌مدیره تعیین می‌شود.»

۲۲ - ماده ۳۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود در این کارنامه باید حضور در جلسات دادگاه‌ها به گواهی رؤساء دادگاه‌ها و کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضایی به گواهی شعبه معاضدت قضایی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها به گواهی رئیس شعبه سخنرانی‌های کانون و کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد.»

۲۳ - ماده ۴۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «کارآموزانی که در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست یا کانون به وجود ایشان احتیاج ندارد از سخنرانی و کارکردن در آن مراجع معافند.»

۲۴- تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: «کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رییس کانون و رأی دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.»

ماده ۲۸- هریک از مقامات قضایی از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق، حیثیت و شئون وکالت توسط کارآموزان مطلع شوند، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی اعلام می‌کنند. دادستان یا رییس حوزه قضایی، در صورت تأیید، گزارش امر را به رییس کانون مربوطه ارسال می‌کند تا به شرح مقرر در ماده قبل اقدام نماید.^{۲۵}

ماده ۲۹- کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت، حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدید نظر یا فرجام خواهی از احکام آنها دیوان عالی کشور است، را ندارند ولو اینکه با وکیل مجاز مجتمع شده باشند.^{۲۶}

ماده ۳۰- پس از اتمام کارآموزی، و قبل از تسلیم پروانه وکالت به متقاضی، مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لااقل یک نفر از اعضای هیأت مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و قسم‌نامه را امضاء نماید:

« در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نایل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده ام و ذیل قسم‌نامه را امضاء می‌نمایم.»

ماده ۳۱- مادام که کارآموز، دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده باشد، نام او در فهرست اسامی وکلا درج نخواهد شد.^{۲۷}

۲۵ - این ماده از آیین نامه به عنوان سازو کار اجرایی نظارت بر اعمال کارآموزان در مراجع قضایی نوشته شده است. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از کارآموزی در مراجع قضایی سپری می‌شود و قانونگذار مرجع مشخصی را برای اعلام تخلف کارآموز پیش بینی نکرده است، قضات دادسراها و دادگاهها می‌توانند موارد تخلف کارآموزان را به کانون اعلام کنند.

۲۶- تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: « کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تایید رییس کانون و رای دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد. کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می‌باشد را ندارند.»

۲۷- ماده ۴۶ آیین نامه ۱۳۳۴: « مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلا درج نخواهد شد.»

ماده ۳۲- پروانه وکالت پس از صدور گواهی اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در آن و ادای سوگند و امضای ذیل سوگندنامه و تعهدنامه به انجام معاضدت قضایی اعطاء می‌شود.^{۲۸}

ماده ۳۳- امضای پروانه وکالت دادگستری به عهده رییس و در غیاب وی بر عهده ی نایب رییس کانون وکلای مربوطه است و پروانه پس از انجام تحلیف به وکیل تحویل داده می‌شود.

ماده ۳۴- پروانه و دفترچه وکالت ، پس از طی تشریفات قانونی به وکیل تحویل داده می‌شود. وکیل موظف است در حفظ و نگهداری آنها نهایت دقت را مبذول دارد. صدور المثنی بدون انتشار آگهی و انقضای یک ماه و وجود عذر موجه ممنوع است.

ماده ۳۵- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می باشد. تمدید پروانه وکالت با گواهی موضوع ماده ۱۸۶ قانون مالیاتهای مستقیم و عدم محکومیت به انفصال دائم گواهی انجام وکالت معاضدتی، مجاز است. در صورتی که وکیل در حالت تعلیق یا گذراندن محکومیت انفصال موقت باشد ، پروانه وکالت تمدید نخواهد شد.

ماده ۳۶ - هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری یا بندهای ماده ۱۰ لایحه استقلال از طرف کانون، تشخیص داده شود، رییس کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه انتظامی وکلاء اعلام و درخواست رسیدگی کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود، مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید^{۲۹}.

۲۸- ماده ۴۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختیار برآید پروانه وکالت درجه یک به او داده خواهد شد.»

۲۹- تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: « اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می‌باشد. هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آنرا به دادگاه انتظامی وکلا ، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر می کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.»

تبصره- در صورتی که رییس کانون از ارجاع امر موضوع ماده فوق، به دادگاه امتناع کند، مطابق ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.^{۳۰}

ماده ۳۷- هرگاه رییس کل دادگستری استان یا دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یا رییس حوزه قضایی، از فقدان شرایط قانونی موضوع ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری یا ماده ۱۰ لایحه استقلال در مورد وکیل مطلع شود، مکلف است موضوع را با ذکر دلایل و مستندات به رییس کانون وکلای مربوط اعلام نماید تا به دادگاه انتظامی کانون ارجاع شود و تا حصول نتیجه پرونده را پیگیری و از بدو تا ختم، تعقیب قضیه را به طور مستمر مراتب را به اداره کل اعلام نماید. هریک از قضات محاکم و دادرها و سایر مقامات قضایی که از فقدان شرایط موضوع ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه یا ماده ۱۰ لایحه استقلال در وکلا مطلع شود، موظف است بی‌درنگ گزارش امر را حسب مورد به رییس دادگستری یا دادستان یا رییس دادگاه بخش اعلام نماید تا به شرح مقرر در این ماده اقدام شود.^{۳۱}

ماده ۳۸- هر یک از قضات دادگاه‌ها، دادرها، اجرای احکام، یا سایر مقامات قضایی در صورتی که از وجود سابقه محکومیت کیفری موثر وکلای دادگستری یا کارآموزان وکالت یا محکومیت یا پرونده‌های اتهامی آنان در ارتباط با جرایمی که ارتکاب آن مخالف حیثیت و شئون وکالت است، مطلع شود مکلف است مراتب را به طور مستند حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی اعلام نماید. دادستان یا رییس حوزه قضایی فوراً موضوع را بررسی و با قید فوریت و به صورت محرمانه به رییس کانون وکلای مربوط اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری

۳۰- ماده ۵ قانون کیفیت: «در صورت تخلف هریک از اعضای هیات مدیره کانون‌های وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیات‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.»

۳۱- تبصره ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می‌گوید: «..... هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آنرا به دادگاه انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رای مقتضی صادر می‌کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه باتوجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.» این ماده مرجع منحصر به فردی را برای اعلام مراتب سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت ذکر نکرده است، بلکه عبارت «تشخیص داده شود» را قید کرده است. بنابر این اگر مراجع و مقامات قضایی نسبت به سلب یا فقدان شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت آگاه شوند، از آنجا که استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون مذکور همانند شرایط قضات دائمی است موظف به اعلام به کانون شده اند.

می‌نماید. دادستان‌ها، روسای کل دادگستری‌ها یا روسای حوزه‌های قضایی در صورتی که شخصا از این امور مطلع شوند، رأساً مراتب را به کانون اعلام و مطابق این ماده اقدام می‌کنند.^{۳۲}

ماده ۳۹- در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جرمی کیفرخواست صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب مربوط باید رونوشت آن را به دادگاه انتظامی وکلا بفرستد؛ در صورتی که اتهام از مواردی باشد که در فرض اثبات، موجب محکومیت مؤثر کیفری باشد یا به نظر دادگاه انتظامی ادامه وکالت وکیل منافی با شئون وکالت باشد، دادگاه حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید. حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به حوزه قضایی که پروانه برای آن صادر شده است، ابلاغ می‌شود. در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جرائم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطلقاً^{۳۳} و در مورد سایر جرائم که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلاء ادامه وکالت منافی شئون وکالت است، محرومیت وکیل از شغل وکالت در مجله کانون آگهی و به حوزه قضایی مربوطه ابلاغ می‌شود.

تبصره- تصویر دستور جلب، قرارهای تأمین و دادنامه‌های علیه وکلا به کانون وکلا ارسال می‌شود.^{۳۴}

ب- شورای عالی هماهنگی امور وکلا؛

ماده ۴۰- به منظور هماهنگی امور مربوط به وکلا، شورایی مرکب از اعضای زیر به نام «شورای عالی هماهنگی امور وکلا» در معاونت حقوقی قوه قضاییه تشکیل می‌شود:^{۳۵}

- ۱- معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از رییس قوه قضاییه؛
- ۲- رییس شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات؛

۳۲- به زیرنویس ماده ۳۸ مراجعه شود.

۳۳- طبق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت مؤثر کیفری موجب محرومیت از وکالت می‌شود. طبق بند ج ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری یکی از شرایط وکالت نداشتن سابقه مؤثر کیفری است.

۳۴- ماده ۸۷ آیین نامه ۱۳۳۴: در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلائل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می‌شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاهها ابلاغ می‌شود.»

۳۵- هدف از این شورا ایجاد مرکز هماهنگی و همکاری بین قوه قضاییه و کانونهای وکلا و مرکز امور وکلا کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه است. ملاحظه وظایف این شورا نشان می‌دهد که با ترکیبی متوازن و با هدف هم اندیشی تشکیل شده و مداخله ای در استقلال کانونهای وکلا نخواهد داشت.

- ۳- دادستان کل کشور؛
- ۴- وزیر دادگستری؛^{۳۶}
- ۵- رییس مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه؛
- ۶- رییس کانون وکلای دادگستری مرکز؛
- ۷- رییس اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور؛
- ۸- سه نفر از روسای کانون‌های وکلای دادگستری به پیشنهاد معاون حقوقی و انتخاب رییس قوه قضاییه ؛
- تبصره- شورا می‌تواند به تناسب موضوعات مطرح در جلسات از مسئولان کانون وکلای استان مربوط، مقامات قضایی یا اجرایی دعوت کند؛
- ماده ۴۱- ریاست شورای عالی بر عهده معاون حقوقی قوه قضاییه است.
- ماده ۴۲- دستور العمل نحوه اداره و تشکیل جلسات، تعداد جلسات، دعوت از اعضاء، ترتیب رأی‌گیری ، ابلاغ مصوبات و سایر امور مربوط به اداره شورای عالی به تصویب اعضای شورا می‌رسد.
- ماده ۴۳-وظایف شورای عالی به شرح زیر است:
- ۱- هماهنگی در ترسیم خط مشی کلی در رابطه با موضوعات مرتبط با وکلای عضو کانون‌های وکلا و مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه و پیشنهاد به رییس قوه قضاییه؛
- ۲- آسیب‌شناسی و پیشنهاد اصلاح قوانین و مقررات مربوط به وکالت و اعلام مراتب به رییس قوه قضاییه با رعایت ضوابط و الزامات قانونی ؛
- ۳-بررسی گزارش‌های هیأت نظارت بر انتخابات کانون‌های وکلا و اعلام موارد تخلف در انتخابات به دادگاه عالی انتظامی قضات ؛
- ۴-پیگیری و اعلام مراتب به مراجع قانونی ذیربط در مواردی که کانون وکلا تصمیمات کمیسیون موضوع ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری را اجرا نمی‌کند؛
- ۵- حل و فصل اختلافات بین کانون‌های وکلا و مرکز امور وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه و کانون‌های وکلا با یکدیگر؛

۳۶- انتخاب مقامات موضوع آیین نامه با در نظر گرفتن وظایف و اختیارات آنها در قوانین و آیین نامه صورت گرفته است.

۶- هماهنگی و پیگیری با هدف حسن تعامل کانون‌های وکلا و مرکز امور وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری؛

۷- اظهار نظر در خصوص موضوعات مرتبط با وکالت ارجاعی از سوی رییس قوه قضاییه؛

۸- بررسی و اظهار نظر در موارد حدوث اختلاف ناشی از اتخاذ رویه‌های متفاوت و انسجام رویه در استان‌های مختلف و اعلام مراتب به رییس قوه قضاییه؛

ماده ۴۴- شورای عالی می‌تواند جهت کارشناسی دقیق مسایل حوزه وظایف خود کارگروه‌های تخصصی متشکل از وکلا و حقوقدانان تشکیل دهد.

ماده ۴۵- به منظور پیگیری و اجرای تصمیمات شورای عالی، « اداره کل نظارت بر امور وکلا و کارشناسان و مترجمین رسمی » در معاونت حقوقی قوه قضاییه تشکیل می‌شود. مدیر کل این اداره، از میان قضات دارای پایه ده قضایی یا بالاتر به پیشنهاد معاون حقوقی و ابلاغ رییس قوه قضاییه منصوب می‌شود و علاوه بر وظایف مقرر، دبیر شورای عالی است.^{۳۷}

ماده ۴۶- معاون حقوقی قوه قضاییه مکلف است در صورت اطلاع از فقدان شرایط یا سلب شرایط قانونی مقرر برای هر یک از وکلای مشمول این آیین‌نامه یا وکلا و کارشناسان عضو مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران قوه قضاییه یا اعضای هیات مدیره هر یک از این کانون‌ها، یا ارتکاب تخلف یا اعمال مجرمانه از سوی آنها، حسب مورد گزارش امر را به رییس کانون مربوط یا رییس مرکز اعلام تا طبق قوانین و مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد.

ماده ۴۷- در صورت احراز تخلف در برگزاری انتخابات کانون‌های وکلا، معاون حقوقی قوه قضاییه، مراتب را به نحو مستدل به دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام می‌کند.

ماده ۴۸- کلیه کانون‌های وکلا و کارشناسان، مرکز امور وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه، و مراجع انتظامی و نظارتی وابسته به آنها، دادستان‌ها، روسای دادگستری‌ها، قضات و روسای واحدهای ستادی و اداری قوه قضاییه موظف به همکاری با شورای عالی و اداره کل هستند.

پ - تشکیلات، هیأت مدیره و انتخابات کانون‌های وکلا

۳۷- هدف از تشکیل این اداره کل پیگیری مصوبات شورای عالی و هماهنگی بین بخشهای مختلف مرتبط با شورای عالی است.

ماده ۴۹- کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای مستقل، غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است که در مرکز استان تشکیل می‌شود.^{۳۸} محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد.^{۳۹} وظایف کانون وکلا به شرح زیر است:

۱ - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

۲ - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا؛

۳ - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلای دادگستری به وسیله دادرسی و دادگاه انتظامی وکلا؛

۴ - معاضدت قضایی؛

۵ - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلاء؛^{۴۰}

تبصره- وزیر دادگستری موظف است حداکثر شش ماه از لازم الاجرا شدن این آیین نامه نسبت به بررسی وضعیت استانهای فاقد کانون وکلا اقدام و با رعایت موازین قانونی، تشکیل کانون وکلا در این استانها را به رییس قوه قضاییه پیشنهاد نماید.

ماده ۵۰- کانون وکلا از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف- هیأت عمومی؛

ب- هیأت مدیره؛

پ- دادرسی انتظامی وکلا

ت - دادگاه انتظامی وکلا^{۴۱}.

۳۸- ماده ۱ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.

۳۹- تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت: «محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه مشخص خواهد شد.»

۴۰- ماده ۶ لایحه استقلال: الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.

ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلاء و کارگشایان.

ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله دادرسی و دادگاه انتظامی وکلاء.

د - معاضدت قضایی.

ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.

۴۱- ماده ۱ لایحه استقلال «... کانون وکلاء از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف - هیأت عمومی.

ماده ۵۱- کانون وکلای هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد. هیأت مدیره کانون وکلای مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر کانون‌ها مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل است.^{۴۲}

ماده ۵۲- هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوط به کانون است. رییس هیأت مدیره علاوه بر وظایف مقرر در قوانین و این آیین نامه، سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است. رییس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.^{۴۳}

ماده ۵۳- بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.^{۴۴}

ماده ۵۴- هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت کنند:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.^{۴۵}

ب - هیأت مدیره.

ج - دادسرای انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء

۴۲ ماده ۲ لایحه قانونی: «کانون وکلاء هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوط به کانون بوده و رییس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رییس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.»

۴۳- ماده ۲ لایحه قانونی

۴۴- تبصره ماده ۲ لایحه قانونی

۴۵- ماده ۳ لایحه قانونی: «ماده ۳ - هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

ماده ۵۵- رئیس کانون نسبت به کلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد و رئیس هیأت مدیره و مسئول بررسی شکایت و اختلافات وکلاء و کارآموزان از یکدیگر است، اجرای تصمیمات هیأت مدیره به عهده اوست و همچنین می‌تواند تعقیب انتظامی وکیل متخلف را تقاضا کند.^{۴۶}

ماده ۵۶- کلیه درآمدها و هزینه‌های هر کانون باید ثبت و ضبط شود و حساب درآمد و هزینه آن شفاف باشد.

ماده ۵۷- اعضای هیأت مدیره (اعم از اصلی و علی‌البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند^{۴۷}:

۱- اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام؛

۲- اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه، قانون اساسی؛

۳- نداشتن پیشینه محکومیت موثر کیفری؛

۴- نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است؛

۵- عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه‌های رژیم طاغوت؛

۶- عدم عضویت و هواداری از گروه‌های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران؛

۷- عدم عضویت در احزاب ممنوعه؛^{۴۸}

۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.

۴۶- ماده ۲۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «رئیس کانون وکلا نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد و ریاست هیئت مدیره به عهده او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات وکلا و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوط به شغل‌شان می‌باشد و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه وکلا و کارآموزان و کارگشایان بوده و می‌تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتباً تذکر دهد و تعقیب انتظامی وکیل متخلف را از دادرسی انتظامی بخواهد اجراء تصمیمات هیئت مدیره کانون نیز به عهده او خواهد بود.»

۴۷- ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: ماده ۴- اعضای هیات مدیره (اعم از اصلی و علی‌البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف) تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می‌گردند:

الف- داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

ب- حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد.

ج- عدم محکومیت انتظامی در جه ۴ و بالاتر.

د- عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت)

ه- عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شوون شغل وکالت.

۸ - عدم اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان و عدم مصرف مشروبات الکلی؛

۹- داشتن حداقل ۳۵ سال سن؛

۱۰ - داشتن حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت مشروط بر آن که از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد؛

۱۱ - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر؛

۱۲- عدم اشتهار به فساد اخلاق (سوء شهرت)؛

۱۳- عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغل وکالت؛

ماده ۵۸- مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت مدیره، دادگاه عالی انتظامی قضاوت است. مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به ارسال پاسخ می باشند.^{۴۹}

ماده ۵۹- دادگاه عالی انتظامی قضاوت مکلف است ظرف دوماه پس از اعلام اسامی نامزدها از طرف هیات نظارت، ضمن استعلام سوابق داوطلبان از مراجع ذیربط از جمله وزارت اطلاعات، حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، اداره کل سجل کیفری و عفو بخشودگی، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند. رئیس قوه قضائیه می تواند یک یا چند شعبه از شعب دادگاه عالی انتظامی قضاوت را برای انجام این امر اختصاص دهد.

ماده ۶۰- در صورتی که پس از اعلام نظر شعبه دادگاه عالی انتظامی قضاوت مبنی بر رد یا قبول صلاحیت داوطلبان عضویت در هیأت مدیره کانون، اطلاعات، مدارک و یا مستندات جدیدی به دست آید که در تصمیم قبلی این دادگاه مؤثر باشد، دادگاه عالی انتظامی تا قبل از شروع برگزاری انتخابات می تواند بر اساس مدارک و مستندات جدیدالتحصیل در مورد تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان اظهار نظر کند.

۴۸- تبصره ماده ۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا « رئیس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء رؤساء و اعضاء دادگاههای انتظامی وکلاء و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضاوت آن را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه و دادرسیهای انتظامی وکلاء محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضاوت مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.»

۴۹- تبصره ۱ ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت: مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضاوت بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذیربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذیصلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می باشند.

تبصره ۲ - انتخاب اعضای هیات مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می باشد.»

ماده ۶۱- هیئت‌مدیره هر کانون چهار ماه پیش از انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیئت عمومی دارند و داوطلب عضویت در هیات مدیره آن دوره نباشند، پنج نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به‌عنوان عضو علی‌البدل به رأی مخفی از خارج هیئت‌مدیره انتخاب می‌کند که هیأت نظارت بر انتخابات را تشکیل می‌دهند. رییس کانون، رییس هیأت نظارت بر انتخابات است. هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی‌البدل به جای او دخالت خواهد کرد.^{۵۰}

ماده ۶۲- هیأت نظارت بر انتخابات، حداکثر ظرف یک هفته پس از انتخاب شدن، تشکیل جلسه داده و اعلامیه ثبت نام از متقاضیان عضویت هیأت مدیره را منتشر می‌کند.

ماده ۶۳- صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند، ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون به هیئت مزبور داده می‌شود.^{۵۱}

ماده ۶۴- داوطلبین عضویت در هیأت مدیره ظرف یک هفته پس از اعلام شخصاً در محل تعیین شده توسط هیأت نظارت بر انتخابات ثبت نام می‌نمایند.

ماده ۶۵- هیأت نظارت اسامی افراد واجد شرایط را که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار گرفته‌است، به همراه زمان و مکان انتخابات تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی و در پایگاه اینترنتی کانون اعلام می‌نماید. فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد. یک نسخه از آگهی برای وکلایی که حق انتخاب کردن دارند، ارسال می‌شود.^{۵۲}

۵۰- ماده ۱ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «هیئت‌مدیره دو ماه به انقضای هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیئت عمومی دارند چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به‌عنوان عضو علی‌البدل به رأی مخفی از خارج هیئت‌مدیره انتخاب می‌نماید که به ریاست رئیس کانون هیئت نظارت انتخابات هیئت‌مدیره بعد از تشکیل داده و به انتخاب آن اقدام نمایند.

تبصره - هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی‌البدل به جای او دخالت خواهد کرد.»

۵۱- ماده ۲ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون به هیئت مزبور داده می‌شود.»

۵۲- ماده ۳ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «وقت و محل تشکیل هیئت عمومی برای انتخاب هیئت‌مدیره باید از طرف هیئت نظارت تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (به تشخیص هیئت نظارت) آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از ۲۰ روز باشد و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیئت عمومی دارند فرستاده شود.»

ماده ۶۶- اگر روز جلسه مصادف با تعطیلی شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود.^{۵۳}

ماده ۶۷- در وقت مقرر، جلسه هیأت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیأت نظارت صندوق اخذ آرا را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضران ارایه داده آن را لاک و مهر می‌کند و سپس شروع به اخذ آرا می‌کند. هیچ گونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیأت عمومی جایز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است.^{۵۴}

تبصره - در صورت فراهم بودن امکانات فنی اخذ رای به صورت الکترونیک مجاز است.

ماده ۶۸- انتخاب جمعی و مخفی است و باید رأی روی اوراقی که به مهر هیأت نظارت رسیده است و در آن به تعداد اعضای اصلی برای درج نامها ردیف شماره دار در نظر گرفته شده است، نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رأی خود را در صندوق آرا بیندازد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن، مقابل اسم خود را امضاء نماید. با هر دفترچه وکالت تنها از صاحب آن و یک رای اخذ می‌شود.^{۵۵}

ماده ۶۹- حق رأی کسانی که تا پایان جلسه رای گیری، رأی ندهند، ساقط است.^{۵۶}

ماده ۷۰- پس از اتمام اخذ آرا اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود، در غیر این صورت هیأت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌کند و بر هر ورقه که قرائت شود مهر «قرائت شد» حک و برگه ضبط خواهد شد.^{۵۷}

ماده ۷۱- آرای که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است؛ اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده‌ای که باید انتخاب شوند، قرائت نخواهد شد.^{۵۸}

۵۳- ماده ۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل می‌شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود.»

۵۴- ماده ۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «در وقت مقرر جلسه هیئت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیئت نظارت صندوق ضبط آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضرین ارائه داده آن را لاک و مهر می‌نماید و بعد شروع به گرفتن آراء می‌کند و هیچگونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیئت عمومی جایز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است.»

۵۵- ماده ۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب جمعی و مخفی است و باید رأی روی اوراقی که به مهر هیئت نظارت رسیده نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رأی خود را در صندوق آراء بیندازد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خود را امضاء نماید»

۵۶- ماده ۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند ساقط است.»

۵۷- ماده ۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از اتمام اخذ آراء اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می‌شود والا هیئت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت شد زده و ضبط خواهد شد.»

ماده ۷۲- آراء قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیأت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج، مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.^{۵۹}

ماده ۷۳- از واجدین شرایط انتخاب شدن، افراد دارای رأی بیشتر عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رأی باشند، عضو علی‌البدل خواهند بود.^{۶۰}

ماده ۷۴- انتخاب اعضای هیأت مدیره هر کانون به طور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع است.^{۶۱}

ماده ۷۵- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء می‌باشد.^{۶۲} شکایت به دبیرخانه کانون تسلیم می‌شود.

ماده ۷۶- مرجع رسیدگی به شکایات «هیأت نظارت بر انتخابات» است. هیأت مذکور مکلف است ظرف سه روز به شکایات رسیدگی و نظر خود را به معترض ابلاغ کند. در صورت وقوع تقلب در انتخابات در صورتی که قابل تدارک و جبران نباشد، انتخابات ابطال و تجدید می‌شود.^{۶۳}

ماده ۷۷- کسی که بر تصمیم هیئت نظارت معترض است، می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضاات شکایت کند. مدت این شکایت سه روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول شکایت، رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.^{۶۴}

۵۸- ماده ۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد»

۵۹- ماده ۱۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «آراء قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیئت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضای مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.»

۶۰- ماده ۱۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانی که دارای رأی بیشتر هستند عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضای اصلی بیش از سایرین دارای رأی می‌باشند عضو علی‌البدل هستند.»

۶۱- تبصره ۲ ماده ۴ قانون کیفیت: «انتخاب اعضای هیات مدیره کانون بطور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می‌باشد.»

۶۲- ماده ۱۲ آیین نامه ۱۳۳۴: «مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء می‌باشد و شکایت از کسانی که حق رأی دادن دارند پذیرفته است.»

۶۳- ماده ۱۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «مرجع رسیدگی به شکایات هیئت نظارت انتخابات است و مکلف است ظرف سه روز به شکایت رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آراء اعلام نماید.»

۶۴- ماده ۱۴ آیین نامه ۱۳۳۴: «کسی که بر تصمیم هیئت نظارت معترض است می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضاات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور منتهی در ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.»

ماده ۷۸- پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، رئیس هیأت نظارت اسامی منتخبان را اعلام و آنان را برای تشکیل هیأت مدیره قبل از تاریخ هفتم اسفندماه (به عنوان روز وکیل) دعوت می‌کند.^{۶۵}

ماده ۷۹- رییس هیأت نظارت هر کانون پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، گزارشی جامع از روند برگزاری انتخابات و دلایل ابطال یا پذیرش نتیجه انتخابات را به دبیرخانه شورای عالی ارسال می‌کند. ماده ۸۰- در صورت ابطال انتخابات، تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود. در این صورت تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد کرد.^{۶۶}

ماده ۸۱- جلسه هیأت مدیره برای انتخاب رییس به ریاست مسن‌ترین اعضاء اصلی حاضر هیأت مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر از جوان‌ترین اعضاء اصلی موقتاً سمت منشی‌گری خواهند داشت.^{۶۷}

ماده ۸۲- انتخاب هیأت رئیسه کانون از بین اعضای اصلی به طور فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می‌آید.^{۶۸} ماده ۸۳- منتخبان از میان خود سمت رییس و نواب رییس و منشی‌ها و بازرسان را بالحاظ شرایط ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری تعیین می‌کنند. انتخاب بازرسان و منشیان هیئت مدیره پس از انتخاب رییس و نواب رییس به عمل خواهد آمد.^{۶۹}

۶۵- ماده ۱۵ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیئت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیئت مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است) دعوت می‌نماید.»

۶۶- ماده ۱۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در این صورت تا تعیین هیئت مدیره جدید هیئت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.»

۶۷- ماده ۱۷ آیین نامه ۱۱۳۴: «جلسه هیئت مدیره برای انتخاب رییس به ریاست مسن‌ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر جوان‌ترین اعضاء موقتاً سمت منشی‌گری خواهند داشت.»

۶۸- ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطوری فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می‌آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آئین‌نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود.»

۶۹- ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطوری فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می‌آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آئین‌نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود. تبصره - رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون‌ها دارای چهار رأی باشد.»-- ماده ۱۷ آیین نامه ۱۳۳۴ جلسه هیئت مدیره برای انتخاب رییس به ریاست مسن‌ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر جوان‌ترین اعضاء موقتاً سمت منشی‌گری خواهند داشت.»

ماده ۸۴- هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز، از میان خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می نماید و در سایر حوزه ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.^{۷۰}

ماده ۸۵- اداره جلسات هیأت مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس است؛ تقسیم وظایف بین اعضاء هیئت رئیسه به موجب آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.^{۷۱}

ماده ۸۶- در صورتی که یکی از اعضاء اصلی هیأت مدیره بدون عذر موجه از حضور در سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب غیبت کند، یکی از اعضاء علی البدل که رأی او بیشتر است جایگزین او خواهد شد. تشخیص موجه بودن عذر غیبت بر عهده اکثریت نسبی سایر اعضاء هیأت مدیره است.^{۷۲}

ماده ۸۷- رئیس کانون باید در تهران لاقلاً دارای هشت رأی و در سایر کانون ها دارای چهار رأی باشد.^{۷۳}

ماده ۸۸- دعوت هیأت مدیره و هیأت عمومی وکلا به عهده رئیس کانون است.^{۷۴}

ت - وظایف، اختیارات وکلا؛

ماده ۸۹- اهم وظایف وکلا به شرح زیر است^{۷۵}:

۱- اهتمام به صلح و سازش پیش از طرح دعوا در مرجع قضایی و در تمام مراحل رسیدگی؛

۲- مشاوره حقوقی، از جمله در انعقاد قراردادها، عقود و ایقاعات؛

۳- داوری و میانجی گری در خارج از دادگستری با رعایت مقررات قانونی؛

۴- تنظیم لوایح و دادخواست و شکوائیه؛

۷۰- ماده ۵ لایحه استقلال: « هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از بین اعضاء خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می نماید و در سایر حوزه ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.»

۷۱- ماده ۲۵ آیین نامه ۱۳۳۴: « اداره جلسات هیئت مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس می باشد. تقسیم کار و وظایف بین اعضاء هیئت رئیسه ضمن آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.»

۷۲- ماده ۲۷ آیین نامه ۱۳۳۴: « در صورتی که یکی از اعضاء اصلی هیئت مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید یکی از اعضاء علی البدل که رأی او بیشتر است به عضویت اصلی قائم مقام او خواهد شد و عضو غائب قائم مقام عضو مزبور خواهد گردید»

۷۳- تبصره ماده ۱۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: « رئیس کانون باید در تهران لاقلاً دارای هشت رأی و در سایر کانون ها دارای چهار رأی باشد»

۷۴- ماده ۲۳ آیین نامه ۱۳۳۴: « دعوت هیئت مدیره و هیئت عمومی وکلا به عهده رئیس کانون است.»

۷۵- ماده ۲۵ قانون وکالت: « وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آنها معین مینماید متابعت نمایند. »

- ۵- همکاری و همراهی با موکل یا به نمایندگی موکل در نزد مراجع قضایی و دولتی؛
- ۶- انعقاد قرارداد خصوصی در خصوص اخذ حق الوکاله یا انعقاد قرارداد برابر تعرفه؛
- ۷- پیگیری امور موکل و حضور در انجام تحقیقات و دادرسی بر اساس ضوابط قانونی؛
- ۸- ارائه رسید درمقابل وجوه و اسناد دریافتی از موکل؛
- ماده ۹۰- وکلا از هر گونه اقدام به منظور اطلاع رسیدگی از قبیل طرح ایرادات دادرسی یا اقدام برای ارجاع پرونده به شعبی خاص و تقدیم دادخواست ناقص از لحاظ هزینه های قانونی، ممنوع هستند.
- ماده ۹۱- وکلا باید نسبت به احقاق حق و جلوگیری از ظلم اهتمام کنند. لذا در مواردی که شائبه تضییع حق وجود دارد، مکلفند موکلین را به رفع ظلم ارشاد نمایند.
- ماده ۹۲- تشویق موکل به طرح شکایت در مراجع نظارتی به منظور ارباب قاضی رسیدگی کننده از سوی وکلا ممنوع است. این امر مانع از آن نیست که مراتب تظلم توسط وکیل جهت انعکاس به مراجع قانونی، به مقام ما فوق قاضی رسیدگی کننده گزارش شود.
- ماده ۹۳- پوشش و لباس وکلاء در محیط دادگاهها و محل کار (دفتر) باید مناسب شأن ایشان و منزلت حرفه‌ای وکالت باشد. بانوان وکیل ملزم به حفظ عفاف و حجاب کامل اسلامی و رعایت سادگی و متانت در محیط دادگستری‌ها، مراجع قضایی، زندان‌ها، دفتر کار و در حین ملاقات با موکلین هستند. محاکم مکلفند در مورد وکلایی که رعایت شئون وکالت و ضوابط اسلامی و پوشش مناسب را نمی‌کنند، مراتب را به کانون اعلام کنند و کانون موظف به رسیدگی طبق مقررات این آیین نامه است.
- ماده ۹۴- وکلا ضامن امنیت اخلاقی دفتر کار خود بوده و نسبت به رعایت موازین شرعی و پوشش مناسب و رعایت عفاف و تقوی در دفتر کار مسئول هستند.
- ماده ۹۵- وکلاء موظفند در محل مناسبی در حوزه مندرج در پروانه خود، دارای دفتر باشند و ساعات معینی را برای مراجعات مردم اختصاص دهند.
- ماده ۹۶- وکیل در برابر اشخاص ثالث، مقامات قضایی و همکاران خود دارای مسئولیت قانونی است و در صورت تخلف از قوانین و مقررات باید از عهده خسارت وارده برآید و نسبت به رعایت این اصول دقت کافی کند:
- ۱- حمایت از مظلوم و مساعدت در احقاق حقوق عامه و معاضدت به افراد بی بضاعت؛
 - ۲- رعایت نظم و انضباط شغلی، ایجاد بایگانی منظم و عمل به مقررات و اخلاق حرفه‌ای؛

۳- اطلاع کافی و به‌روز و عمل به مقررات و قوانین؛

۴- پرداخت مالیات‌های حرفه‌ای و سایر وجوهی که مطابق قوانین و مقررات موظف به پرداخت آن است؛

۵- رعایت احترام، ادب و متانت در برابر همکاران و قضات؛

۶- صداقت در رفتار و گفتار و عدم استفاده از حيله و نیرنگ در پیشبرد امور وکالت؛

ماده ۹۷ - وکیل باید حسابرسی دقیق داشته باشد و نحوه دریافت و هزینه‌های خود را مشخص کند و در صورت درخواست موکل، حساب خود را به تدریج به موکل اطلاع دهد.

ماده ۹۸ - وکیل در صورتی که صرفاً موکلی را به همکار خویش معرفی کند، نمی‌تواند از موکل تحت هر عنوان وجهی دریافت کند.

ماده ۹۹- از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند، عذر عدم حضور در جلسه مقرر با توسل به وکالت در توکیل، پذیرفته نمی‌شود. هرگاه وکیلی که وکالت در توکیل دارد، در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد، باید به یکی از دو مرجع قضایی که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.^{۷۶}

ماده ۱۰۰- وکلا در خصوص تقدم حضور در محاکمات کیفری بر حقوقی و محاکمات جزایی نسبت به یکدیگر، موظف به رعایت ماده ۲۸ قانون وکالت اصلاحی مصوب ۱۳۴۶ هستند.^{۷۷}

۷۶- ماده ۲۹ قانون وکالت: «از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی‌شود. هرگاه وکیلی در یکساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید بیکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.»

۷۷- ماده ۲۸ قانون وکالت اصلاحی ۱۳۴۶: «در صورتیکه وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و بدادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد .

در صورتیکه وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنائی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم میدانند حاضر میشود و به دادگاه‌های دیگر لایحه میفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام میدارد .

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در اینصورت یا بدادگاه مذکور وکیل دیگری میفرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی احطاریه دادگاه جنائی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه میکند و در صورت اخیر جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد .

تبصره ۱ - وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتیکه در دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود .

ماده ۱۰۱-وکلائی دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافی با حیثیت و شئون و کالت است، اشتغال ورزند^{۷۸}.

ماده ۱۰۲-وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیت و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید^{۷۹}.

ماده ۱۰۳-وکلا باید وکالت معاضدتی و تسخیری حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و مقررات به آنها ارجاع می‌شود، قبول نمایند^{۸۰}.

ماده ۱۰۴-وکلا باید با موکل خود قرارداد حق‌الوکاله تنظیم و مبادله کنند و نسخه‌ای از وکالت‌نامه را به مرجع قضایی تسلیم کنند^{۸۱}.

ماده ۱۰۵-در اجرای ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم و مقررات مواد ۵۳ و ۵۴ و ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، وکلائی دادگستری موظفند وکالت‌نامه خود را پس از الصاق و ابطال

تبصره ۲- عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی بعمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی‌شود و دادگاه برسدگی ادامه می‌دهد.

تبصره ۳- هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد بمعاذیر قانونی وکیل تجدید شود رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را بوکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع میکند و دادگاه حکم خواهد داد. «
۷۸- ماده ۴۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کارآموزان و همچنین وکلا دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافی با حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند.»

۷۹- ماده ۳۰ قانون وکالت ۱۳۱۵: «وکیل باید اسراری که بواسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

۸۰- ماده ۳۱ قانون وکالت: «وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و نظامات بآنها ارجاع میشود قبول نمایند.»

تبصره - مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزائی و از طرف کانون در امور حقوقی بآنها ارجاع میشود.

۸۱- ماده ۳۲ قانون وکالت: «وکلا باید با موکل خود قرارداد حق‌الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را بضمیمه وکالت نامه بدفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق‌الوکاله و فهرست اسنادی که موکل بوکیل میسپارد و همچنین قبوض و جوهی که وکیل دریافت میدارد مطابق نمونه‌ایست که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد»

ماده ۳۳ قانون وکالت: «قرارداد حق‌الوکاله که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود باید بترتیب تصاعد نسبت بمدعی‌به و نسبت بمراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود.

میزان خسارتی که محکوم‌له میتواند از محکوم‌علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت‌هائی که وکلاء عدلیه برای امور وکالتی مینمایند نیز مطابق تعرفه‌ایست که وزارت عدلیه تنظیم مینماید»

تمبر مالیاتی به میزان مقرر در قانون، پیوست دادخواست به دادگاه تقدیم نمایند. در صورت عدم انجام این امر، دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود؛ لیکن برای به جریان انداختن آن مدیر دفتر، نقایص دادخواست را به خواهان اطلاع می‌دهد و طبق قانون رفتار خواهد کرد.^{۸۲} در مورد سایر دعاوی نیز وکلا موظفند مالیات‌های قانونی را بر اساس شرایط و مبالغ مندرج در قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند.^{۸۳}

ماده ۱۰۶- در اجرای بندهای «ز» و «ش» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ و مواد ۱۰۳ و ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم و کلای دادگستری مکلف اند در چارچوب آیین نامه تبصره ۲ ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم و الحاقات بعدی از پایانه فروشگاهی استفاده کنند. همچنین، وکلای دادگستری موظف اند از زمان راه اندازی سامانه قرارداد الکترونیک، قراردادهای مالی خود با موکل را در این سامانه ثبت و تنظیم نمایند. شناسه یکتای صادر شده برای هر قرارداد توسط سامانه قرارداد الکترونیک، مبنای شناسایی و کیل در سامانه خدمات قضایی به منظور استخراج اطلاعات مالی مندرج در قرارداد و ابطال تمبر مالیاتی خواهد بود.

ماده ۱۰۷- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او، علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق‌الوکاله و افزون بر هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و سایر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی، تحت هر اسم و هر عنوان از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن ممنوع است.^{۸۴}

ماده ۱۰۸- وکلا نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی کرده‌اند، قبول وکالت نمایند.^{۸۵}

۸۲- رای وحدت رویه شماره ۷۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور

۸۳- ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم

۸۴- ماده ۳۴ قانون وکالت: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق‌الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب بمجازات انتظامی از درجه پنج ببالا محکوم میشود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتیکه وکیل این عمل را بطور حيله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع بعمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.»

۸۵- ماده ۴۰ قانون وکالت: «وکلاء نمی‌توانند نسبت بموضوعی که قبلاً بواسطه سمت قضائی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.»

ماده ۱۰۹- در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود، از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل تبانی کرده و در اثر این تبانی حق موکل را تضییع سازد، به محرومیت دائمی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه کند.^{۸۶}

ماده ۱۱۰- وکلاء مکلفند در مکاتبات، مصاحبه با رسانه‌ها، اظهار نظر یا فعالیت در فضای مجازی حیثیت و شرافت شغل وکالت را مراعات و از اظهارات و اقدامات خلاف شرع یا قانون یا اظهار نظر علیه نظام جمهوری اسلامی و نهادهای قانونی کشور پرهیز کنند.

ماده ۱۱۱- وکلاء باید دارای دفتر منظم باشند و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است، ثبت و ضبط نمایند.^{۸۷}
ماده ۱۱۲- وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اختطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است، در اسرع وقت به موکل یا متصدی امور او به هر نحو ممکن، اطلاع دهند به نحوی که حقی از موکل تضییع نگردد.^{۸۸}

ماده ۱۱۳- وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌کنند، اعم از حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوی جزایی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان سازند.^{۸۹}

ماده ۱۱۴- در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد، مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.^{۹۰}

۸۶- ماده ۴۱ قانون وکالت: در صورتیکه خیانت وکیل نسبت بموکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالتیجه حق موکل را تضییع نماید بمحرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل میتواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.»

۸۷- ماده ۴۳ قانون وکالت: «وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع بامر وکالت است ثبت و ضبط نمایند - طرز تنظیم و نگاهداری آنرا دفتر بازرسی و تشکیلات وکلاء معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.»

۸۸- ماده ۴۴ قانون وکالت: «وکلاء باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اختطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است باسرع اوقات بموکل یا متصدی امور او کتبا اطلاع دهند بطوریکه تفویض حقی از او نشود.»

۸۹- ماده ۴۵ قانون وکالت: «وکلاء باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امریکه نسبت بان قبول وکالت مینمایند اعم از حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوی جزائی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله بموکل خاطر نشان نمایند.»

ماده ۱۱۵- وکلا حق ندارند به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر، درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود را بالاتر از آنچه که دارند، معرفی کنند یا از عناوین غیر واقعی استفاده نمایند. استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی موهن و خلاف شئون وکالت ممنوع است.

ماده ۱۱۶- وکلا حق ندارند با توسل به وسایل فریبنده، تحصیل وکالت نمایند و با وعده‌های غیر واقعی از قبیل تضمین نتیجه رسیدگی، موکل را به انعقاد قرارداد، اغوا نمایند یا با این عناوین تبلیغ کنند.

ماده ۱۱۷- وکلا باید در برنامه‌های آموزشی و علمی که به منظور ارتقای توان علمی و مهارت آنان از سوی کانون‌های وکلا به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود، شرکت نمایند. دستور العمل نحوه برگزاری آموزش ضمن خدمت وکلا توسط کانونهای وکلا تنظیم می‌گردد.

تبصره- برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک به منظور ارتقای مهارت و توان علمی وکلا با مشارکت کانونهای وکلا و معاونت منابع انسانی قوه قضاییه و دادگستری‌های استانها بلامانع است.

ث- تشویق و ارتقاء وکلا

ماده ۱۱۸ - وکلاء با شرایط ذیل مورد تشویق قرار می‌گیرند:

۱- اهتمام به تنظیم صورت‌جلسه اصلاحی و ایجاد صلح و سازش که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۲- اهتمام به احقاق حق برای موکلین معاضدتی و تسخیری که در این صورت از تخفیف مجازات‌های انتظامی به میزان یک درجه تا دو درجه برخوردار خواهد شد.

۳- ارتقاء سطح علمی دانشگاهی، تألیف و ترجمه آثار حقوقی و تدوین مقالات معتبر علمی که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۴- انجام وکالت با نرخ ارزان و جلب رضایت مردم، موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۵- همکاری مؤثر و مفید و مجانی با تشکل‌های صنفی مرتبط و مؤسسات خیریه موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون می‌شود.

۹۰- ماده ۱۲ لایحه استقلال: «در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته‌باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.»

۶- رعایت اصول فعالیت حرفه‌ای و شرافت و رازداری و کمک و مساعدت در احقاق حق که با تشخیص مرجع قضایی و معرفی به کانون که موجب معرفی از طریق مجله و پایگاه اینترنتی کانون و درج در پرونده می‌شود. ماده ۱۱۹- وجود یک یا چند جهت از جهات تشویق موجب اولویت انتقال به شهر یا استان دارای سطح بالاتر در صورت تقاضای انتقال خواهد شد. ماده ۱۲۰- اتخاذ تصمیم به منظور تشویق وکلای دادگستری پس از احراز شرایط تشویق بر عهده هیأت مدیره کانون است.

ماده ۱۲۱- از آنجا که وفق تبصره ۳ ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰، وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار است، کلیه کارکنان اداری و مقامات قضایی و ضابطان موظفند در برخورد با وکلای دادگستری ضمن حفظ کرامت آن‌ها بر مبنای اخلاق اسلامی، موازین شرعی و قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند. ماده ۱۲۲- هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین کند، به موجب ماده ۲۰ لایحه قانونی قابل تعقیب خواهد بود.

ماده ۱۲۳- وکلایی که تقاضای ترفیع می‌کنند، باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی، گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌شود، اخذ کنند: در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا دادگستری شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس حوزه قضایی و دادستان شهرستان برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد، گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان برسد.

تبصره ۱- مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از مراجع قضایی تابعه، مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.^{۹۱}

۹۱- ماده ۱۱ لایحه استقلال: «وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند. در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آنها برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد. تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲۴- با احراز شرایط ذیل، وکیل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نائل شود:

- ۱- اشتغال به وکالت دست کم به مدت سه سال در درجه دوم؛
 - ۲- حسن انجام وظیفه در دادگاه‌های مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او ارجاع شده است؛
 - ۳- پیشرفت علمی و عملی که از طریق اختبار باید احراز شود؛
 - ۴- رعایت ضوابط مربوطه به امر وکالت طبق قوانین و مقررات؛
- تبصره -** مدت انتظار برای ترفیع نسبت به کسانی که به تنزل پایه محکوم شده‌اند، سه سال از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.^{۹۲}

ماده ۱۲۵- تقاضای ترفیع باید بعد از انقضاء مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهی‌نامه حسن انجام وظیفه در مراجع قضایی حسب مورد از رییس حوزه‌های قضایی بخش، رییس دادگستری شهرستان، دادستان شهرستان و مرکز استان و رییس کل دادگستری استان و گواهی حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم ارجاع امر معاضدت قضایی از شعبه معاضدت قضایی و گواهی رعایت آئین‌نامه‌ها از دادسرای انتظامی وکلا باید ضمیمه تقاضا باشد.

ماده ۱۲۶- تقاضاهایی ترفیع که تا آخر فروردین هر ماه واصل شده باشد، از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می‌رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع ارجاع خواهد شد و تقاضاهایی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد، بلااثر می‌ماند.^{۹۳}

ماده ۴۸ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «تقاضای ترفیع باید بعد از انقضاء مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهی‌نامه حسن انجام وظیفه در دادگاه‌ها از رؤساء دادگاه‌ها و حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم رجوع آن از شعبه معاضدت قضایی و گواهی رعایت آئین‌نامه‌ها از دادسرای انتظامی وکلا باید ضمیمه تقاضا باشد.»

۹۲- ماده ۴۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «با احراز شرایط ذیل وکیل می‌تواند به درجه بالاتر وکالت نائل گردد:

۱. اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.
۲. حسن انجام وظیفه در دادگاه‌های مربوطه و حسن انجام معاضدت‌هایی که به او رجوع شده.
۳. ترقی علمی و عملی که از طریق اختیار باید احراز شود.
۴. رعایت نظامات مربوطه به امر وکالت طبق آئین‌نامه‌ها

تبصره - مدت ترفیع نسبت به کسانی که به تنزیل درجه محکوم شده‌اند از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.»

۹۳- ماده ۴۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «تقاضاهایی که با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر فروردین هر سال شده باشد از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می‌رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهایی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر می‌ماند.»

ماده ۱۲۷- کمیسیون ترفیع در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه کارشناسی ارشد یا بالاتر هستند، اختبار عملی و از غیر ایشان اختبار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می‌دارد.^{۹۴} کمیسیون ترفیع موظف به استعلام سوابق مربوط به حسن انجام وظیفه در مراجع قضایی و حسن انجام وظایف معاضدتی از مقامات قضایی فوق است.

ماده ۱۲۸- رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیئت مدیره است.^{۹۵}

ماده ۱۲۹- اعضای کمیسیون ترفیع باید دارای شرایط عضویت در کمیسیون کارآموزی داشته باشند.^{۹۶}

ج - تخلفات و مجازات‌ها و مرجع انتظامی

ماده ۱۳۰ - دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و تعقیب آنان است و از دادستان و تعداد لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.

ماده ۱۳۱- دادستان انتظامی وکلا یا معاون وی یا هر یک از دادیاران انتظامی، پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشند، کیفرخواست صادر می‌کنند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. در صورتی که بین دادستان و معاون او یا دادیار انتظامی که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با قانون یا آیین نامه، اختلاف حاصل شود، نظر دادستان متبع است.^{۹۷}

۹۴- ماده ۵۰ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر هستند اختیار عملی و از غیر ایشان اختیار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می‌دارد.»

۹۵- ماده ۵۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیئت مدیره است و تصمیم هیئت مزبور قطعی است.» قطعی بودن تصمیم هیات مدیره طی رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است.

۹۶- ماده ۵۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون ترفیع به ترتیب مقرر در ماده ۳۵ این آئین نامه تشکیل می‌شود»

ماده ۳۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیئت مدیره باشند از بین اعضای هیئت مدیره یا از خارج اعضای هیئت یا بطور مختلط از طرف هیئت مدیره تعیین می‌شود.»

۹۷- ر.ک ماده ۱۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا - ماده ۶۴ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادستان پس از رسیدگی در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد ادعای نامه صادر و به دادگاه می‌فرستد و در صورتی که عقیده بر منع تعقیب داشته باشد قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد. در صورتی که بین دادستان و معاون او که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با ماده آئین نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است.»

تبصره - در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یا هیأت مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد، صدور کیفرخواست لازم نیست و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی ارجاع می شود.

ماده ۱۳۲- قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون با رعایت مقررات مربوط به ابلاغ اوراق قضایی ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل شکایت در دادگاه های انتظامی وکلاء خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح نداند، به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید.^{۹۸}

ماده ۱۳۳- دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز، حداقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و دوازده سال سابقه وکالت و سایر معاونان دارای سی سال سن و هشت سال سابقه وکالت باشند و در خارج مرکز دادستان لااقل باید دارای سی و پنج سال سن و پنج سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج از مرکز، کسی که سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت. دادستان انتظامی و معاونان وی از میان وکلای درجه یک انتخاب می شوند.^{۹۹}

ماده ۱۳۴- رسیدگی به تخلفات وکلا به عهده دادگاه انتظامی وکلا است. دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می گردد، تشکیل می شود و برای مدت مزبور هیأت

۹۸- ماده ۱۳ لایحه استقلال کانون وکلا: «دادرسی انتظامی وکلاء مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. دادرسی انتظامی وکلاء پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه های انتظامی وکلاء خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می نماید.»

۹۹- در ماده ۱۳ لایحه استقلال قید درجه وکالت برای دادستان انتظامی و معاونین وی پیش بینی نشده است. اما از آنجا که دادستان انتظامی و معاونان وی مرجع تعقیب وکلای درجه یک هم هستند، به حکم منطق باید همطراز یا بالاتر از آنها باشند. ماده ۵۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز لااقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و سایر معاونین دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت باشند. و در خارج مرکز دادستان لااقل باید دارای سی و پنج سال سن و پنج سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و سه سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج مرکز کسی که سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت.»

مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلای درجه یک انتخاب می‌کند که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند.^{۱۰۰}

ماده ۱۳۵- دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیأت‌مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.^{۱۰۱}

ماده ۱۳۶- دادگاه انتظامی ممکن است دارای شعب متعدد باشد. در این صورت، پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از دادگاه‌ها ارجاع می‌شود.^{۱۰۲}

ماده ۱۳۷- انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان و دادیاران از طرف هیأت‌مدیره با رأی مخفی و به اکثریت دوسوم اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید.^{۱۰۳}

ماده ۱۳۸- از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد، مسن‌ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان با رأی مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نمایند.^{۱۰۴}

۱۰۰- ماده ۱۴ لایحه استقلال کانون وکلا: «رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلاء است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلاء پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازاتهای درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسای انتظامی وکلاء و رئیس کانون از حکم برائت و از مجازاتهای درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.»

۱۰۱- ماده ۵۴ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیئت‌مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.»

۱۰۲- ماده ۵۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در این صورت پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از دادگاه‌ها رجوع می‌شود.»

۱۰۳- ماده ۵۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان از طرف هیئت‌مدیره برای مخفی و به اکثریت دوثلث اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید»

۱۰۴- ماده ۵۷ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد مسن‌ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان به رأی مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نمایند.»

ماده ۱۳۹- موارد رد و امتناع دادستان و معاونان ایشان و دادیاران و دادرسان همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی برای دادرسان مقرر است. به علاوه، در موردی که متصدی تحقیقات در دادرسی یا دادگاه انتظامی، وکیل شاکی یا مشتکی عنه باشد یا شریک وکیل یکی از طرفین در دفتر یا امور وکالتی یا غیر وکالتی باشد، باید از رسیدگی امتناع نمایند^{۱۰۵}.

ماده ۱۴۰- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد، رسیدگی به دادیار یا معاون دیگر ارجاع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد، معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد، یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.^{۱۰۶}

ماده ۱۴۱- در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی، دادرس علی‌البدل رسیدگی می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد، از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و در صورت فقدان شعبه دیگر، هیأت‌مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع، از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل جهت رسیدگی تعیین می‌کند.^{۱۰۷}

ماده ۱۴۲ - شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی؛ شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضای شاکی می‌رسد. دادستان شخصاً یا به وسیله یکی از معاونان یا دادیاران نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.^{۱۰۸}

۱۰۵- ماده ۵۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «موارد رد و امتناع دادستان و معاونین ایشان و دادرسان همان است که طبق آئین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاه‌های عمومی مقرر است به علاوه در موردی که وکیل شاکی یا مشتکی عنه یا شریک یا وکیل یکی از طرفین بوده ولو شرکت بطور کلی باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند»

۱۰۶- ماده ۵۹ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد رسیدگی به معاون دیگر رجوع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.»

۱۰۷- ماده ۶۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی‌البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد هیئت‌مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند.»

۱۰۸- ماده ۶۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی - شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. دادستان شخصاً یا به وسیله یکی از معاونین نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.»

ماده ۱۴۳- به هر طریقی تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به اطلاع رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد، به دادسرا ارجاع می‌کند و دادسرا باید به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده کند.^{۱۰۹}

ماده ۱۴۴- در صورتی که دادستان، حضور مشتکی‌عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود، براساس محتویات پرونده اتخاذ تصمیم می‌کند.^{۱۱۰}

تبصره - عذر موجه همان است که در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی^{۱۱۱} مقرر است و باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در مهلت تعیین شده برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود.

ماده ۱۴۵- پس از وصول کیفرخواست به دادگاه یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی، تصویر کیفرخواست یا تقاضا به وسیله مأمور کانون یا مأمور دادگستری یا پست سفارشی یا با استفاده از لوازم ابلاغ الکترونیکی به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود. اشخاص مقیم ایران ظرف مدت ۲۰ روز و افراد مقیم خارج از کشور، ظرف مدت دو ماه فرصت دارند تا پاسخ خود را ارسال کنند.^{۱۱۲}

ماده ۱۴۶- پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت، وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می‌رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم صادر می‌کند. اگر دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می‌شود و اگر توضیحی از شخص مورد تعقیب لازم باشد، صریحاً در صورت‌مجلس ذکر و ضمن تعیین وقت رسیدگی به او اخطار می‌شود که در موقع معین حاضرشود، شفاهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً به

۱۰۹- از هر طریق اطلاعاتی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد به دادسرا رجوع می‌نماید و دادسرا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید.

۱۱۰- ماده ۶۳ آیین نامه ۱۳۳۴: «در صورتی که دادستان حضور مشتکی‌عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که به او داده شده تلقی شود. تبصره - عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آئین دادرسی مقرر است و باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در موقع معین برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود» ماده ۶۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴ در قسمتی که عدم حضور را قرینه صدق دعوا دانسته شده طبق رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ دیوان عدالت اداری باطل شده است لذا به شرح فوق اصلاح شده است.

۱۱۱- ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

۱۱۲- ماده ۶۶ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از رسیدن ادعای یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعای یا تقاضا به وسیله مأمور کانون یا پست سفارشی دو قبضه به شخص مورد تعقیب ابلاغ می‌شود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده روز پس ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یک ماه هرگونه جوابی دارد بدهد.»

دادگاه بفرستد. چنانچه پاسخ مشتکی عنه به موقع نرسد و شخصا هم حاضر نشده باشد، دادگاه رسیدگی می کند و حکم صادر می نماید.^{۱۱۳}

ماده ۱۴۷ - دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن ارجاع می شود رسیدگی کند و رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف می تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین کند. دادگاه در مورد تقاضای تعلیق، باید خارج از نوبت رسیدگی و رأی صادر کند و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد و یا تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد، باید رسیدگی انتظامی را تا زمان رسیدگی به جنبه کیفری متوقف نماید. در صورتی که جنبه کیفری قضیه، جرم عمومی باشد، دادگاه موظف است مراتب را جهت تعقیب قضیه به مقام قضایی صالح اعلام نماید.^{۱۱۴}

ماده ۱۴۸- مجازات های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است. ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده است از کلیه آراء صادره و همچنین دادستان انتظامی وکلا و رییس کانون از حکم براءت و از مجازات های درجه ۴ به بالا می توانند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۱۵}

۱۱۳- ماده ۶۷ آیین نامه ۱۳۳۴: «پس از رسیدن جواب یا انقضاء مهلت وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم می دهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می شود و اگر توضیح از اشخاص مورد تعقیب لازم باشد صریحاً در صورت مجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی به او اخطار می شود که در موقع معین حاضر شده شفهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً به دادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی عنه در موقع نرسد و شخصاً هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم می دهد و حکم مزبور حضوری محسوب است.»

۱۱۴ ماده ۶۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن رجوع می شود رسیدگی کرده رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف می تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده رأی بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف به فراغ از جنبه کیفری نماید.»

۱۱۵- ماده ۷۵ آیین نامه سال ۱۳۳۴ در قسمتی که برای دادستان و مقامات موضوع ماده ۱۵ و ۱۶ در مورد کلیه احکام حق اعتراض پیش بینی کرده توسط دیوان عدالت ابطال شده است. لذا عین حکم ماده ۱۴ لایحه استقلال در آیین نامه معاونت حقوقی آورده شد. ماده ۱۴ لایحه استقلال: «رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلاء است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می گردد تشکیل می شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی البدل از بین وکلاء پایه ۱ انتخاب می نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به

ماده ۱۴۹- وکلا مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن به‌کانون اطلاع دهند به نحوی که مأمور کانون یا دادگستری یا پست بتواند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ کنند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع دهند.^{۱۱۶}

ماده ۱۵۰ - کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه به وسیله پست سفارشی یا ابلاغ الکترونیک در سراسر کشور به نشانی اعلام شده از سوی وکیل به کانون، فرستاده می‌شود، برابر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و یا ضوابط مربوط به ابلاغ الکترونیک ابلاغ می‌شود؛ در موارد ابلاغ از طریق پست، چنانچه ثابت شود که اوراق به مقصد نرسیده است، ابلاغ تجدید می‌شود. در مواردی که مخاطب از گرفتن اوراق از مأمورکانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع کند، اوراق، ابلاغ شده محسوب خواهد شد.^{۱۱۷}

ماده ۱۵۱- کانون‌های وکلا می‌توانند با استفاده از امکانات و زیر ساخت‌های مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضاییه نسبت به ایجاد سامانه ابلاغ الکترونیک و سایر تسهیلات مشابه جهت ابلاغ اوقات و اوراق به وکلای دادگستری اقدام کنند. مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضاییه با رعایت ضوابط و مقررات موظف به همکاری جهت بهره‌برداری کانون‌های وکلا از امکانات و تسهیلات مذکور است.

عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادسرای انتظامی وکلاء و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.»

۱۱۶- ماده ۷۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «وکلا مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن به‌کانون اطلاع دهند که مأمور کانون یا دادگستری یا پست بتوانند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ نمایند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را در ظرف ده روز به نحوی که ذکر شده کتباً به کانون اطلاع دهند و اوراقی که به محل مزبور فرستاده می‌شود ابلاغ شده محسوب است.»

۱۱۷ - ماده ۷۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه به وسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده می‌شود در مرکز تا شعاع شصت کیلومتر پنج روز پس از تسلیم به دفتر پست و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر باشد بیست روز پس از تسلیم به دفتر پست ابلاغ شده محسوب است. مگر کسی که اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در این صورت تاریخ رسیدن به او تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلاً نرسیده که در این صورت ابلاغ تجدید می‌شود. و اوراقی که به وسیله مأمور فرستاده می‌شود تاریخ رساندن آن به رؤیت طرف تاریخ ابلاغ شده محسوبست و در موردی که از گرفتن اوراق از مأمور کانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد.» دیوان عدالت اداری قسمتی از ماده ۷۱ آیین نامه سال ۱۳۳۴ را باطل کرده است و آیین نامه معاونت حقوقی ایراد را مرتفع کرده است.

ماده ۱۵۲- تمام مراجع قضایی و سازمان‌های تابعه قوه قضاییه مکلفند پاسخ استعلامات و مکاتبات کانون‌های وکلا و دادسرا و دادگاه‌های کانون را مطابق مقررات تهیه و ارسال نمایند.^{۱۱۸}

ماده ۱۵۳ - در صورتی که رییس حوزه قضایی یا دادستان شهرستان و یا رییس کل دادگستری استان یا دادستان شهرستان مرکز استان، تخلفی از وکیل مشاهده کنند که قابل تعقیب باشد، مراتب را کتباً باید به دادسرای انتظامی وکلاء اطلاع دهند. در صورتی که دادسرای مزبور پس از تحقیق و استماع دفاعیات مشتکی عنه، موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت، نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان شهرستان مرکز استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان شهرستان مرکز استان به نظر دادسرای انتظامی وکلاء تسلیم نشد، رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.^{۱۱۹}

ماده ۱۵۴- هریک از قضات در راستای وظایف قانونی خود، چنانچه تخلفی از وکیل مشاهده نمایند، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رییس حوزه قضایی یا رییس کل دادگستری استان اعلام می‌کنند تا به شرح ماده فوق عمل شود.

ماده ۱۵۵- دادستان‌ها یا رؤسای حوزه‌های قضایی موظفند رونوشتی از گزارش خود را در خصوص اعلام تخلف وکیل، از طریق رییس کل دادگستری استان برای اداره کل ارسال کنند و تا حصول نتیجه درخواست تعقیب وکیل مذکور، به طور مستمر پیگیری کنند.

۱۱۸- ماده ۷۲ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «مراجع رسمی مکلفند به اسرع اوقات اطلاعاتی را که دادگاه یا دادسرا یا هیئت‌مدیره و شعب کانون می‌خواهد بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانوناً ممنوع باشد و دادستان‌ها یا نمایندگان ایشان مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکی یا مشتکی‌عنه یا مطلعین تقاضا می‌نماید انجام داده بفرستند و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.» این ماده از آیین نامه سال ۳۴ توسط دیوان عدالت اداری باطل شده است زیرا متضمن تکلیف برای مراجع رسمی است. لذا در آیین نامه معاونت حقوقی اصلاح شد و تکلیف فقط مربوط به مراجع قضایی گردید. (رای وحدت رویه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)

۱۱۹- ماده ۱۵ لایحه استقلال: «در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رییس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلاء تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.»

ماده ۱۵۶- اختیار رییس قوه قضاییه به شرح مندرج در مواد ۱۶ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، با لحاظ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه، به معاون حقوقی قوه قضاییه تفویض می‌گردد. این امر مانع از اعلام تخلف و پیشنهاد تعلیق وکیل رأساً توسط رییس قوه قضاییه نیست.^{۱۲۰} در کلیه موارد موضوع این ماده، دادگاه انتظامی کانون و دادگاه عالی انتظامی قضا، موظف به رسیدگی خارج از نوبت هستند. ماده ۱۵۷- در صورتی که رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات از جمله سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت دادگستری یا ارتکاب تخلف، اشتغال وکیل مورد تعقیب را به وکالت به مصلحت نداند، از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق وکیل و صدور حکم بر ابطال پروانه وکالت را می‌خواهد. دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی کند و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود. وکیل معلق حق تجدید نظر خواهی دارد. رأی عدم تعلیق از سوی رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی یا رییس کانون، قابل اعتراض در دادگاه عالی انتظامی قضا است. دادگاه عالی انتظامی قضا به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۲۱} تصمیم‌گیری در خصوص اعضای هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء در صورت وجود شرایط مقرر در این ماده، رأساً در دادگاه عالی انتظامی قضا انجام می‌شود.

ماده ۱۵۸- در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره، رییس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور، وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر کند و نیز از رأی عدم تعلیق

۱۲۰- ماده ۱۶ لایحه استقلال: «هر گاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدید نظر کند.»

۱۲۱- ماده ۱۸ لایحه استقلال: «در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضا به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.»

رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارد. دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.^{۱۲۲}

ماده ۱۵۹- در مواردی که رییس قوه قضاییه یا معاون حقوقی قوه قضاییه به نمایندگی از وی در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نمایند یا از قراین و اماراتی مبنی بر سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت یا ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال مطلع شوند، رسیدگی به امر را به دادستان کل کشور ارجاع می‌کند. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات می‌کند، در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد نمود.^{۱۲۳}

ماده ۱۶۰- مرجع شکایت انتظامی اشخاص از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونان ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیون‌ها راجع به انجام وظایف‌شان هیأت مدیره است و در صورت احراز تخلف، پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات می‌کند و در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد کرد.^{۱۲۴}

ماده ۱۶۱ - مجازات‌های انتظامی عبارت است از:

۱ - توبیخ کتبی بدون درج در پرونده؛

۱۲۲- ماده ۱۸ لایحه استقلال: «در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

۱۲۳- ماده ۲۱ لایحه استقلال: «در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.»

۱۲۴- ماده ۶۹ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیون‌ها راجع به انجام وظایف‌شان هیئت مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود.»

۲- توبیخ با درج در پرونده؛

۳- توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله و پایگاه اینترنتی کانون؛

۴- تنزل درجه یا کاهش حدود صلاحیت به مدت شش ماه تا دو سال ؛

۵- ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا سه سال ؛

۶- محرومیت دایم از وکالت؛^{۱۲۵}

ماده ۱۶۲- مجازات تخلف از نظاماتی که کانون برای وکلا دادگستری تعیین می‌کند، درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می‌شود و اختیار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.^{۱۲۶}

ماده ۱۶۳- متخلف از هریک از موارد زیر به مجازات انتظامی تا درجه سه محکوم خواهد شد^{۱۲۷}:

۱۲۵- ماده ۷۶ آیین نامه ۱۳۳۴: « مجازات‌های انتظامی عبارتست از:

۱- اخطار کتبی.

۲- توبیخ با درج در پرونده.

۳- توبیخ یا درج در روزنامه رسمی و مجله کانون.

۴- تنزل درجه.

۵- ممنوعیت از سه ماه تا سه سال.

۶- محرومیت دائم از شغل وکالت.

تبصره - در موردی که برای قبول وکالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده وکالت و انتقال مال و سندی که از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهد بود.

تبصره ماده ۷۶ آیین نامه سال ۱۳۳۴ توسط دیوان عدالت باطل شده است.

نظر به اینکه در موادی از قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت به مجازاتهای درجات مختلف از جمله درجه های چهار تا شش اشاره شده و در واقع قانونگذار این درجات را تایید کرده است ، درجه بندی آیین نامه سال ۱۳۳۴ حفظ شده است.مراجعه شود به ماده ۶ و تبصره ۴ ماده ۶ و بند ج ماده ۴ قانون اخذ کیفیت پروانه وکالت.

۱۲۶- ماده ۷۷ آیین نامه ۱۳۳۴: « مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلا دادگستری تعیین می‌نماید درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می‌شود و اختیار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.»

۱۲۷- ماده ۷۸ آیین نامه ۱۳۳۴: «متخلف از هر یک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد.

۱. چنانکه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.

۲. کارهای معاضدت قضائی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می‌شود به‌خوبی و یا علاقه‌مندی انجام دهد.

- ۱- چنانکه به دو یا چند مرجع قضایی دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در مرجع قضایی کیفری را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه‌ای که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر شود و به دیگر محاکم لایحه بفرستد یا قبل از حلول وقت، اطلاع دهد.
- ۲- کارهای معاضدت قضایی که از طرف کانون و دفاع از متهمان را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و مقررات به ایشان ارجاع می‌شود، انجام دهد.
- ۳- کلیه اوراق فرستاده شده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا تصویر کیفرخواست یا حکم که به وسیله مأمور یا پست فرستاده می‌شود به محض ارائه، قبول و رؤیت کرده، رسید بدهد.
- ۴- وکالت‌نامه را در فرم مخصوص تنظیم نماید و نسخه‌ای از وکالت‌نامه یا سایر اوراق را به موکل بدهد.
- ۵- رسید دریافت اصول اسناد و وجوه دریافتی را به موکل بدهد.
- ۶- بایگانی منظم داشته و دفاتر ثبت، رسید اسناد موکلان، درآمد و هزینه دفتر را نگهداری و تکمیل کند.
- ۷- قبل از دادرسی، با وجود امکان مصالحه و سازش، به صلح و سازش بین موکل و طرف وی اهتمام بورزد.
- ۸- دادخواست و ضامنه را از حیث هزینه دادرسی بدون نقص به دادگاه تقدیم نماید
- ۹- وکالت‌نامه را ناقص تنظیم نماید یا آن را ثبت نشده یا فاقد تاریخ و امضاء تقدیم کند یا امضای موکلی که در مرئی و منظر وی انجام نشده است یا اوراق منضم به دادخواست که اصول آن را رؤیت ننموده است، گواهی نماید یا وکالت‌نامه سفید را به امضای موکل برساند و مندرجات را بعداً الحاق نماید؛
- ۱۰- اوراق و وکالت‌نامه سفید امضاء خود را در اختیار غیر قرار دهد؛
- ۱۱- در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادرسی یا دادگاه انتظامی وکلا اعلام کرده ثابت شود.
- ۱۲- در صورتی که بدون عذر موجه از شرکت در برنامه های علمی و آموزشی که کانون حضور او را در آن لازم می‌داند، امتناع نماید؛

ماده ۱۶۴- اعمال زیر مستوجب مجازات انتظامی درجه سه یا چهار خواهد بود^{۱۲۸}:

-
۳. کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانه یا حکم که به وسیله مأمور یا پست فرستاده می‌شود به محض ارائه قبول و رؤیت کرده رسید بدهد.»
 - ۱۲۸- ماده ۷۹ آیین نامه: «متخلف از هر یک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد.
 ۱. از تجاهر به استعمال مسکر و افیون و سایر مواد مخدر.

- ۱- عدم ارائه رسید در مقابل اخذ هرگونه وجهی از موکل؛
 - ۲- اقدام به وکالت بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه ؛
 - ۳- عدم حضور در مرجع قضایی بدون عذر موجه به گونه‌ای که به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد. از وکیلی که وکالت در توکیل دارد عذری بر عدم حضور پذیرفته نخواهد شد؛
 - ۴- اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد؛
 - ۵- عدم رعایت نظم و انضباط و اخلال در نظم جلسه دادگاه؛
 - ۶- سوء استفاده از عنوان وکیل و مشاور حقوقی جهت تضییع حق یا اعمال نفوذ؛
 - ۷- اقدام به عملی که موجب ضرر موکل است ؛
- ماده ۱۶۵- در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود:^{۱۲۹}

۲. در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت می‌نماید رسید بدهد.
 ۳. در صورتی که بعد از انقضای مدت تمبر پروانه بدون تحدید تمبر و ثبت پروانه وکالت نماید.
 ۴. در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد.»
- ۱۲۹- ماده ۸۰ آیین نامه ۱۳۳۴: «در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود:
۱. در صورتی که بکارگیری اشتغال پیدا کند که منافی با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت است.
 ۲. در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که دارد معرفی نماید.
 ۳. در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید.
 ۴. در صورتی که زائد بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرارداده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارتی یا زائد بر هزینه‌های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد.
 ۵. در صورتی که استعفاء خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد.
 ۶. در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود.
 ۷. در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضائی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید.
 ۸. در صورتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید.
 ۹. در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه‌آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفا از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود.
 ۱۰. در صورتی که در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت به دادنامه یا سایر مقامات رسمی و وکلا و اصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید.

- ۱- در صورتی که به کاردیگری اشتغال پیدا کند که منافی با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت است؛
- ۲- مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافی شئون وکالت باشد، مانند اینکه از پرداخت دیون مسجل خود امتناع کند یا اینکه روابط خصوصی غیرمتعارف با طرفین پرونده برقرار نماید یا در محلی که مناسب دفتر وکالت نیست، دفتر دایر کند یا مشارکت با غیر وکیل در اداره دارالوکاله نماید؛
- ۳- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه میزان تحصیلات، تخصص خود را بالاتر از آنچه که دارد معرفی نماید یا از عناوین غیرواقعی استفاده نماید یا مبادرت به تبلیغ به شکل موهن و یا خلاف شأن وکالت بنماید.
- ۴- در صورتی که به وسیله فریبنده، تحصیل وکالت نماید یا با وعده تضمین نتیجه رسیدگی موکل را به انعقاد قرارداد یا پرداخت وجه اغوا کند؛
- ۵- قرارداد مالی با موکل تنظیم ننماید و مبلغ حق الوکاله را به طور مشخص در قرارداد ذکر نکند یا قرار داد خود را در سامانه قرارداد الکترونیک ثبت نکند ؛
- ۶- در صورتی که استعفای خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد؛
- ۷- در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم پرداخت هزینه ای یا انجام عملی از طرف موکل است، در اسرع وقت به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود یا از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده مانند حق اعتراض به رأی (واخواهی - تجدیدنظر) استفاده ننماید یا با وجود عدم تصریح به اختیار خاص در وکالتنامه آن را اعمال نماید، ولو آنکه موکل شفاهاً و یا به طریق دیگر این اختیار را به او داده باشد؛
- ۸- در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضایی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید؛
- ۹- در صورتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا شرکت‌ها یا مؤسساتی که تمام یا بخش از سهام آنها متعلق به دولت است، سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته، علیه آنها قبول وکالت نماید؛
- ۱۰- در صورتی که در مکاتبات، مصاحبه با رسانه‌ها، اظهار نظر یا فعالیت در فضای مجازی، مرتکب اعمال و

گفتار خلاف حیثیت و شرافت شغل وکالت و خلاف شرع یا خلاف قانون شود یا عامدانه و بر خلاف واقع مبادرت به اظهار نظر علیه نهادهای قانونی کشور یا نظام جمهوری اسلامی قانون کند؛

۱۱- در صورتی که در قرارداد خصوصی، شروطی را برخلاف اخلاق حسنه و متعارف بگنجاند یا شروطی را بدون رضایت موکل به وی تحمیل نماید یا به استناد حق صلح و سازش در مفاد وکالت نامه خلاف مصلحت موکل عمل کند؛
۱۲- چنانچه ارتباط غیراداری به منظور تبانی با قضات و کارمندان دادگستری و مراجع ذیربط دیگر یا پرداخت هرگونه مالی اعم از وجوه نقدی و غیرنقدی به کارمندان یا قضات دادگستری و سایر ادارات و سازمان های دولتی و غیره برقرار نماید؛

۱۳- چنانچه تجاهر به استعمال مسکر و مواد مخدر یا روانگردان و مراوده در اماکن فساد و معاشرت با افراد متجاهر یا مشهور به فساد اخلاقی کند؛

تبصره - اعمال مجازات درجه چهار برای وکلای پایه یک دادگستری موجب کاهش صلاحیت به میزان وکلای پایه دو و برای وکلای پایه دو به میزان کارآموزان وکالت برای مدت معین (بین سه ماه تا سه سال) می شود و برای کارآموزان وکالت منجر به تعلیق پروانه کارآموزی برای مدت معین خواهد شد؛
ماده ۱۶۶- متخلف در موارد زیر به مجازات انتظامی درجه پنج محکوم خواهد شد^{۱۳۰}:

۱- در صورتی با داشتن جهتی از جهات رد، قبول وکالت کرده و یا در صورت حدوث آن در اثناء وکالت استعفاء ندهد. جهات رد همان است که در قانون پیش بینی شده است.

۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل و طرف مقابل پرونده یا قائم مقام یا وکلای آنان و کارشناس، مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار آنان باشد؛
۳- در صورتی که با داشتن شغل دولتی مشمول ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل پروانه وکالت گرفته و یا بعد از گرفتن پروانه وکالت به شغل دیگری که مشمول منع قانونی است اشتغال یابد؛

۱۳۰- ماده ۸۱ آیین نامه ۱۳۳۴: «متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد.

۱. در صورتی که دعوی را بطور مصادعه یا در ظاهر به نام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد.
۲. در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.
۳. در صورت تخلف از قسم.»

۴- چنانچه وکیل حق الوکاله را درصدی از نتیجه قرار دهد یا در مدعی به، به نام خود یا به نام دیگری و در حقیقت برای خود شرکت نماید؛

۵ - چنانچه از حدود موضوع وکالت که مورد رضایت موکل نبوده است، خارج شود؛

۶- در صورتی که مبادرت به تهدید، تطمیع و اعمال زور بر علیه موکل یا طرف وی نماید؛

۷- در صورت تخلف از قسم.

۸- در صورت عدم پرداخت مالیات‌های مقرر در قانون یا سایر وجوهی که وفق قانون موظف به پرداخت آن است ، بدون عذر موجه؛

ماده ۱۶۷- متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه شش محکوم خواهد شد^{۱۳۱}:

۱- کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باشند باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجرای این آئین‌نامه کتباً به کانون اطلاع داده، پروانه خود را تسلیم نمایند و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط شوند، باید کانون را کتباً مطلع کرده و پروانه خود را تسلیم نمایند.

۲- در صورتی که بعد از استعفاء یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت، وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید.

۳- در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود تبانی کرده که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد.

۱۳۱- ماده ۸۲ آیین‌نامه ۱۳۳۴: متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود.

۱. کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این آئین‌نامه کتباً به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرط کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید.

۲. در صورتی که بعد از استعفاء یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم‌مقام قانونی او قبول نماید.

۳. در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد.

۴. در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلا اعلام کرده ثابت شود

ماده ۱۶۸- در صورت تخلف هریک از اعضای هیأت مدیره کانون‌های وکلای دادگستری از مفاد قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیأت‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.^{۱۳۲}

ماده ۱۶۹- کسانی که دارای رتبه قضایی بوده‌اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرر به ترتیب تکرار مستوجب مجازات‌های درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.^{۱۳۳}

ماده ۱۷۰- دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق‌الوکاله و افزون بر هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و سایر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و هر عنوان که از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن ممنوع است مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت، منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به‌طور حیل‌ه انجام دهد، مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به‌عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد در اجرای ماده ۳۴ قانون وکالت کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.^{۱۳۴}

ماده ۱۷۱- وکیل حق ندارد دعاوی را به صورت ساختگی یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد .

۱۳۲- ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «در صورت تخلف هریک از اعضای هیات مدیره کانون‌های وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دایم از عضویت در هیات‌های مدیره کانون‌های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.»

۱۳۳- تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

۱۳۴- ماده ۳۴ قانون وکالت: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به‌عنوان حق‌الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه بهر اسم و هر عنوان که باشد ولو بعنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب بمجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم میشود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتیکه وکیل این عمل را بطور حیل‌ه انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر بعنوان دیگر و در باطن راجع بعمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد.»

ماده ۱۷۲- وکلا نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور اطلاع رسیدگی یا تحقیقات به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند. در صورت تخلف، به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد^{۱۳۵}.

ماده ۱۷۳- وکلا باید در مذاکرات شفاهی در مراجع قضایی و لوایح کتبی، احترام و نزاکت را نسبت به قضات، تمام مقامات اداری، و کلاء واصحاب دعوی رعایت کنند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد. در صورتی که عمل آنها مشمول یکی از عناوین جزایی باشد طبق قانون، قابل تعقیب جزایی خواهند بود^{۱۳۶}.

ماده ۱۷۴- وکیل نمی تواند چند شعبه یا مؤسسه فرعی ایجاد کند. وکلا نمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند دفتر وکالت تاسیس کنند و همچنین نمی توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز سازند^{۱۳۷}. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است. در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

ماده ۱۷۵- دادگاه نمی تواند هیچ تخلفی را عفو کند و اگر موجبی برای تخفیف باشد در موردی که مجازات دارای حداقل و حداکثر است می تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک تا دو درجه تخفیف بدهد^{۱۳۸}.
ماده ۱۷۶- در صورتی که وکیل مرتکب تخلفات متعدد شود، اگر تخلفات مشابه باشند، به حداکثر مجازات همان تخلف و اگر مشابه نباشند، برای هر کدام مجازات جداگانه تعیین می شود.

۱۳۵- ماده ۳۸ قانون وکالت

۱۳۶- ماده ۴۲ قانون وکالت

۱۳۷- ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت

۱۳۸- ماده ۸۳ آیین نامه سال ۱۳۳۴: «هیچ تخلفی را نمی شود عفو کرد و اگر موجبی برای تخلف باشد دادگاه در موردی که مجازات دارای حداقل و اکثر است می تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف بدهد.»

ماده ۱۷۷ - هرگاه وکیلی محکوم به مجازات انتظامی شود و بعد از قطعیت حکم مرتکب همان تخلف و یا نظیر تخلف مورد حکم شود، به یک درجه بالاتر از حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد و در صورت تکرار همان تخلف و نظیر آن مجازات تشدید خواهد شد.^{۱۳۹}

ماده ۱۷۸ - استرداد شکایت شاکی یا استعفاء از شغل وکالت مانع از تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست، لیکن استرداد شکایت یا اعلام رضایت می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود.^{۱۴۰}

ماده ۱۷۹ - مدت مرور زمان تعقیب انتظامی وکلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است. در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد، مدت مرور زمان، دوسال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.^{۱۴۱}

ماده ۱۸۰ - کارآموزان، مشمول مقررات انتظامی مندرج در این آئین‌نامه خواهند بود.^{۱۴۲}

ماده ۱۸۱ - تعقیب انتظامی مانع از تعقیب کیفری یا طرح دعوی مدنی نیست.^{۱۴۳}

چ - نقل و انتقال وکلا

ماده ۱۸۲ - تعیین شهر برای متقاضیان وکالت تنها از طریق آزمون ممکن است و متقاضیان تغییر شهر می‌توانند در آزمون‌های بعدی برای شهر مورد تقاضا شرکت نمایند. در صورت قبولی در آزمون دوم، پروانه برای شهر مذکور صادر می‌شود.

ماده ۱۸۳ - جابجایی بین وکلاء با توافق دو طرف با اخذ وجوه یا غیر آن ممنوع است.

ماده ۱۸۴ - اخذ هرگونه وجه یا امتیاز از وکلاء جهت تغییر شهر توسط کانون‌های وکلاء ممنوع است.

ماده ۱۸۵ - نقل و انتقال موقت به تهران و سایر استان‌ها و یا شهرستان مرکز استان، بنا بر یکی از جهات ذیل امکان‌پذیر است:

۱۳۹ - ماده ۸۴ آیین‌نامه ۱۳۳۴: «هر کس محکوم به مجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود به یک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم خواهد شد.»

۱۴۰ - ماده ۸۵ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «استرداد شکایت یا استعفاء مشتکی‌عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است.»

^{۱۴۱} - ماده ۵۴ قانون وکالت: «مرور زمان نسبت بتعقیب انتظامی وکلاء دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است در صورتیکه وکیل تعقیب شده باشد دوسال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.»

۱۴۲ - ماده ۸۸ آیین‌نامه ۱۳۳۴: «کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین‌نامه خواهند بود.»

۱۴۳ - ماده ۸۹ آیین‌نامه سال ۱۳۳۴: «تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست.»

۱- از طریق پذیرش در آزمون کارشناسی ارشد و دکترا در گرایش‌های رشته حقوق برای یک‌بار در طول مدت اشتغال به وکالت؛

۲- بیماری‌های صعب‌العلاج خود یا فرزند یا همسر یا پدر یا مادر که مداوای آن نیاز به حضور مداوم در مراکز درمانی که در مراکز استان یا تهران وجود دارد تا زمان بهبودی با تأیید سازمان پزشکی قانونی؛
ماده ۱۸۶- در صورت پذیرش وکیل به عنوان عضو هیأت علمی یا پیمانی در دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم، انتقال وکیل به حوزه قضایی محل دانشگاه بلامانع است.

ماده ۱۸۷- مرجع اتخاذ تصمیم در مورد نقل و انتقال هیأت مدیره کانون است.

ماده ۱۸۸- نقل و انتقال دائم بین شهرهای یک استان، با موافقت هیأت مدیره کانون وکلا بلامانع است.

ماده ۱۸۹- نقل و انتقال بین شهرهای دو استان، با موافقت کانون وکلای هر دو استان، در طول مدت وکالت بلامانع است.

۱۹۰- کانون وکلا با توجه به نیاز استان و شهر مبدأ و مقصد، شایستگی و صلاحیت اخلاقی متقاضی، توانایی علمی، مهارت، تحصیلات، سوابق تخلف انتظامی و شرایط متقاضی در مورد قبول یا رد تقاضای متقاضی تصمیم‌گیری می‌کند.

ماده ۱۹۱- تقاضای نقل و انتقال دائم از هر وکیل فقط برای سه سال پس از وکالت در حوزه قضائی تعیین‌شده و با فاصله سه سال یک مرتبه، پذیرفته می‌شود.

ماده ۱۹۲- جز در مورد بانوان متاهل، کارآموزی فقط در حوزه قضایی انتخابی مجاز بوده و نقل و انتقال در مرحله کارآموزی ممنوع است.

ماده ۱۹۳- کسانی که بیش از یک‌سال یا به‌طور دائم از کشور خارج می‌شوند باید پروانه خود را تودیع نمایند.

ح - درجه بندی وکلاء:

ماده ۱۹۴- وکلاء به ترتیب زیر درجه‌بندی می‌شوند:

۱- وکیل درجه یک که حق قبول وکالت در تمامی مراجع قضایی و دادن مشاوره حقوقی در تمامی دعاوی را دارد.

۲- وکیل درجه دو که حق قبول وکالت در دادگاه کیفری یک و دیوان عالی کشور و دعاوی حقوقی که قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور هستند، ندارد.

ماده ۱۹۵- ترفیع درجه وکیل با رعایت ضوابط مقرر در این آیین نامه ممکن است. در صورتی که وکیل اشتغال به وکالت نداشته باشد، ترفیع نخواهد داشت. مدت تعلیق، مرخصی، تودیع و انفصال در سنوات وی محاسبه نمی شود.

خ- وکالت معاضدتی و تسخیری

ماده ۱۹۶- معاضدت قضایی و وکالت تسخیری عبارت است از ارائه خدمات مشاوره حقوقی و وکالت به افراد فاقد تمکن مالی و شامل موارد زیر است:

۱- معرفی وکیل تسخیری در پرونده های کیفری به درخواست دادسرا یا دادگاه رسیدگی کننده وفق مقررات آئین دادرسی کیفری ؛

۲- وکالت معاضدتی در پرونده های حقوقی به شرح مقرر در مادتين ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری و آیین نامه اجرایی آن؛

۳- وکالت معاضدتی در پرونده های کیفری بنابر تقاضای شاکی یا متهم به شرح مقررات قانون آیین دادرسی کیفری؛
ماده ۱۹۷- وکلای دادگستری موظفند همه ساله در سه پرونده وکالت معاضدتی یا تسخیری ارائه خدمت نمایند.

ماده ۱۹۸- با تصویب این آئین نامه، آئین نامه های قبلی ملغی الاثر می گردد.

این آئین نامه در اجرای ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ درماده در تاریخ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.